

با مقدمه:

حجت الاسلام والمسلمین

استاد علی دوانی

اومی آید

مصاحبه با سران مذاهب و مسلک‌ها در باره

موعود جهانی

انتشارات نور ولایت

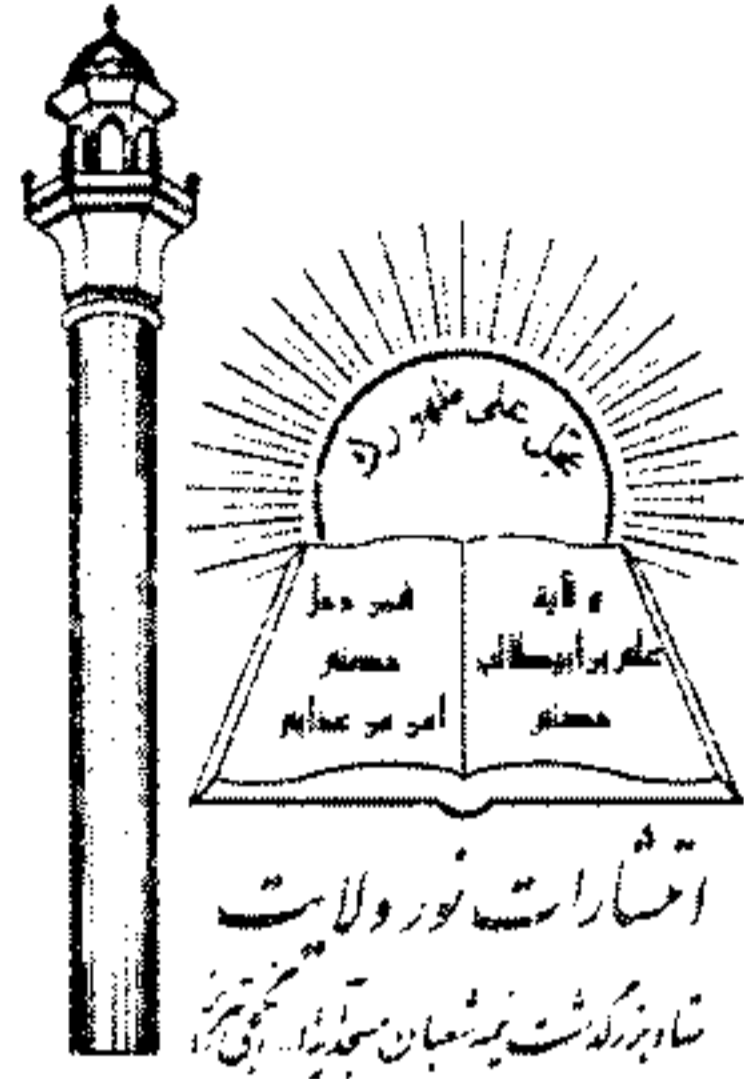
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اومی آید

مصاحبه با سران مذاهب و مسلک‌ها در باره
موعود جهانی

گزارش از : انصاف‌علی هدایت

مقدمه از : استاد علی دوانی



نام کتاب : او می آید

تحقیق از : انصافعلی هدایت

مقدمه از : حجت الاسلام والمسلمین استاد علی دوانی

ناشر : انتشارات نور ولایت، تبریز - ص پ ۵۱۳۳۵/۴۷۶۱

تلفن ۸۷۷۸۳۸ - ۸۷۰۰۴۵ شماره ۵۸۵۰۸

«ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان مسجد آیت الله انگجی تبریز»

تاریخ نشر: نیمه شعبان ۱۴۱۷ ق

نوبت چاپ : اول

حروفچینی: سایه ۵۴۲۱۹

لیتوگرافی : مجتمع لیتوگرافی روا ۶۸۵۶۱

چاپ : تمدن ۵۷۷۰۵

صحافی : امین ۵۱۹۰۳

قیمت ۲۰۰۰ ریال

شابک ۹۶۴-۹۱۴۴۴-۰-۴ / ISBN=964-91444-0-4

فهرست

- سخن کوتاه ناشر ۵
- موعود جهانی در عقاید مشترک مذہب‌ها و ملت‌ها ۹-۲۶
- در منابع زرتشتی ۱۱
- در منابع یهود ۱۳
- در منابع مسیحیت ۱۶
- موعود جهانی کیست؟ ۲۷-۶۶
- گفتگو با اسقف اعظم ارامنه ایران ۲۸
- گفتگو با معلم دینی یهودی کشور و دبیر انجمن کلیمیان ایران ۳۶
- گفتگو با موبد زرتشتیان ایران ۵۲
- گفتگو با دو تن از پیروان سیک ۶۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سخن کوتاه ناشر

ای دادرس ستمدیدگان عالم!
امسال نیز مانند هر سال دیگر با دلی شاد و سرشار از عشق و محبت به استقبال
سالروز ولادت با سعادتت و بزرگداشت نیمه شعبان می‌رویم، و از خداوند جهان
می‌خواهیم که در ظهورت تعجیل کند.
خداوندا، می‌دانیم که در قرآن مجید فرموده‌ای منتظر آمدن او باشید که من نیز با
شما از منتظرانم. معبودا اگر مصلحت است بیش از این ما را در انتظار مگذار و چشم
منتظران را به قدم حجّت غائب خود منور گردان.
آفریدگارا، می‌دانیم که باید همه شرایط برای آمدن آخرین برگزیده‌ات فراهم
شود، ولی طاقت ما هم حدی دارد، و کی باشد که این همه انتظارها پایان یابد و طلعت
نورانی موعود جهان از پس پرده غیبت به درآید؟
معبودا، نه تنها ما شیعیان جهان، که همه اهل عالم با زبان بی‌زبانی در انتظارند و او
را از تو می‌خواهند، او که همان مهدی منتظر و نجات دهنده دنیا از ظلم و ستم و
پریشانی و بی‌سرو سامانی و تشکیل دهنده حکومت واحد جهانی است. چیزی که
مطلوب همه است و همه در انتظار اویند.

این گزارش کوتاه، گوشه‌ای از این واقعیت است که برادر گرامی ما آقای انصاف‌علی هدایت تهیه کرده، و شرح و بسط آن را حجة الاسلام والمسلمین استاد علی دوانی به عنوان یک عالم و دانشمند مطلع شیعه و دارای تألیفات ارزشمند داده است. کسی که پنج اثر نفیس او از میان انبوه آثارش فقط درباره امام زمان حجت‌بن‌الحسن العسکری - ارواحنا فداه - است، یعنی موعودی که جهانیان در انتظار آمدن او هستند. «ستاد بزرگداشت مراسم نیمه شعبان» شادمان است که این گزارش جالب و شرح و بسط جالبتر پیرامون آن را یکجا منتشر می‌سازد و در اختیار طالبان می‌گذارد. باشد که تا حدی دین خود را در این راه ادا کرده باشد و منتظران را امیدوارتر سازد.

نیمه شعبان ۱۴۱۷

انتشارات نور ولایت

مقدمه:

حجت الاسلام والمسلمین استاد علی دوانی

موعود جهانی

در عقاید مشترک مذہب‌ها و ملت‌ها

نویسنده این سطور در سال‌ها قبل، در صدد برآمد تا پیرامون شخصیت امام غائب حضرت حجت بن الحسن العسکری - اروحنا فداه - تحقیقاتی بعمل آورد، و آثاری در این راستا منتشر سازد. کتاب «مهدی موعود» ترجمه جلد ۱۳ بحار الانوار علامه مجلسی که جامعترین و مفصلترین کتاب در این مورد است، و «موعودی که جهان در انتظار اوست» و «دانشمندان عامه و مهدی موعود» و «شوق مهدی» و «امام زمان در نظر دیگران» محصول آن کار و تحقیقات است که با فاصله زمانی تألیف و چاپ و منتشر شده است. این پنج کتاب ما تقریباً محتوی بحث‌های عمده درباره واقعت موعود جهانی، یعنی حضرت امام زمان غائب از انظار است که نه تنها شیعیان جهان، بلکه کلیه مسلمانان، حتی پیروان همه ادیان آسمانی و اغلب مردم روی زمین در انتظار آمدن اویند.

در کتاب دوّم «موعودی که جهان در انتظار اوست» با مراجعه به کتب دینی زرتشتیان و یهود و نصارا و تواریخ ادیان که توسط محققان صاحب نظر نوشته شده، گزیده‌ای از اعتقادات ملت‌ها و پیروان ادیان را ارائه داده‌ایم و نتیجه گرفته‌ایم که اعتقاد به موعود جهانی ریشه در تعالیم و بشارت‌های انبیاء دارد و آنها بوده‌اند که از جانب خداوند به مردم مژده داده‌اند که در بحرانی‌ترین ازمنه تاریخ بشر، انسان برگزیده‌ای از جانب خدا مأمور می‌شود که برای همیشه ظلم و ستم را از روی زمین ریشه کن کند، و به جای آن عدل و داد و امنیت مطلق را در سراسر گیتی برقرار سازد.

ما این معنی را با مراجعه به کتاب‌ها به دست آوردیم و نوشتیم، ولی اخیراً بر حسب تصادف دیدیم که نویسنده کاوشگر آقای هدایت دست به کار نو و ابتکاری زده و با مراجعه به صاحب نظران و مقامات مذهبی و روحانی ادیان و کیش‌هایی که در ایران هستند از آنها راجع به مسئله موعود جهانی نظر خواسته و تا آن جا که امکان داشته است مطالب را از زبان خود آنها چه مثبت و چه منفی یادداشت کرده و با کمال امانت بدون حبّ و بغض آماده انتشار نموده است.

پیش از آن که اشاراتی به آن اظهارات داشته باشیم، لازم می‌دانم که دورنمایی از آنچه را ما در این زمینه از کتاب‌های آنها یا تواریخ ادیان به دست آورده‌ایم، ارائه دهیم تا تکمیلی باشد برای این موضوع که به طور شفاهی اظهار شده است، و هم زمینه وسیع‌تری باشد برای کسانی که می‌خواهند در این خصوص علم و آگاهی داشته باشند، یا در آن باره کاوش و تحقیق نمایند.

در منابع زرتشتی

درست روشن نیست که زرتشت پیغمبر یا مردی حکیم و خیرخواه بشر بوده است.^(۱) و آنچه به نام اوست تا چه حد از تحریف و دگرگونی سالم مانده است. در منابع اصلی زرتشتی که زرتشتیان کتب مقدس خود می‌دانند، زرتشت معتقد بوده پیوسته دو نیروی متضاد خیر و شر یا نور و ظلمت، به نام‌های «اومر مزدا» یا «یزدان» منبع روشنایی و دانش وسیع، و دیگری به نام «اهریمن» منشأ جهل و تاریکی و فساد، در کشمکش و نزاع هستند، تا زمانی که «سوشیانت» یا «سوشیانس» یعنی نجات‌دهنده دنیا که در هزاره سوم بعد از زرتشت می‌آید ظهور کند و این زد و خورد سرانجام به شکست کامل اهریمن پایان پذیرد و ظلم و فساد و شر و بدی بکلی از جهان ریشه کن شود. یکی از صاحب‌نظران که در این باره تحقیقاتی نموده است، می‌نویسد:

«موضوع تقابل نور و ظلمت در روز نخست در تعالیم زرتشت بک اصل منطقی بوده و بعدها موبدان زرتشتی آن را به صورت دوگانه پرستی «ثنویت» و دو خدای خالق خیر و شر و نور و ظلمت و احترام به آتش و پرستش آن در آورده‌ند، با این که تعالیم اولیه زرتشت با آئین اخلاقی و طریقه یکتاپرستی هماهنگ بوده است.»^(۲)

تقابل نور و ظلمت و کشمکش آنها تا پایان روزگار (نه به عنوان دو خالق خیر و شر) در اسلام نیز آمده است، و به صورت تقابل حق و باطل، ابراهیم و نمرود، موسی و فرعون، پیغمبر اسلام و ابوجهل، امیرالمؤمنین و معاویه و روشن‌تر بگوئیم: آئین الهی و شیطان و مهدی موعود و دجال دیده می‌شود. با این که طبق نوشته محققین تمام کتب زرتشتی دستخوش تغییر و تحریف

شده است، مع الوصف پیشگویی های زرتشتی راجع به نجات دهنده در کتاب های «زند و هومن یسن» و «جاماسب نامه» و سایر منابع کنونی زرتشتیان با جزئی اختلاف که از تصرف بعدی ناشی شده است، با اخبار اسلامی و آنچه شیعیان جهان در باره «امام زمان» علیه السلام نقل کرده اند و بدان ایمان دارند، مطابقت کامل دارد.

«وهومن یسن» تفسیر قسمتی از «اوستا» کتاب منسوب به زرتشت است که توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی برگردانده شده، و به عنوان «مسئله رجعت و ظهور در آئین زرتشت» چاپ و منتشر شده است. دو باب آخر «جاماسب نامه» نیز مشتمل بر پیشگویی های زرتشت از زبان «جاماسب» حکیم خطاب به «گشتاسب» پادشاه وقت که به آئین زرتشت گرویده بود، با چند کتاب دیگر راجع به موعود آخرالزمان توسط صادق هدایت از متن پهلوی ترجمه شده و به وسیله حسن قائمیان دوست وی به نام «ظهور و علائم ظهور» منتشر شده است.

در «جاماسب نامه» جاماسب حکیم شاگرد زرتشت از قول وی خبر می دهد که پیش از ظهور سوشیانس (نجات دهنده دنیا) پیمان شکنی و دروغ و بی دینی در جهان رواج می یابد و مردم از خدا دوری جسته، ظلم و فساد و فرومایگی آشکار می گردد. همین ها نیز اوضاع جهان را دگرگون ساخته، زمینه را برای ظهور نجات دهنده دنیا مساعد می گرداند.

در «جاماسب نامه» که گفتیم به پیوست «زند و هومن یسن» چاپ شده است، می خوانیم: «وقایعی که مصادف با ظهور می شود عبارت است از علامات شگفت انگیزی که در آسمان پدید می آید و دال بر آمدن «خرد شهر ایزد»^(۳) می باشد، و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه دنیا پیام می فرستند، اما اشخاص شرور او را انکار می کنند و کاذب می شمارند،

و نگهبانان پیروزگر آسمان‌ها و زمین‌ها در برابر او سر فرود می‌آورند»^(۴).
 در «جاماسب نامه» گشتاسب پادشاه وقت می‌پرسد: وقتی «سوشیانس»
 ظهور کرد چگونه فرمانروائی و دادستانی می‌کند و جهان را چطور اداره
 خواهد کرد و چه آئینی دارد؟ جاماسب در پاسخ وی می‌گوید: سوشیانس
 (نجات دهنده دنیا) دین را به جهان روا (رایج) کند و آز و نیاز (فقر و
 تنگدستی) همه را تباہ کند و اهریمن را از دامان (آفریدگان) باز دارد و
 مردمان گیتی هممنش (همفکر) و همگفتار و همکردار باشند^(۵) می‌بینیم که
 این علائم چقدر با اعتقاد ما درباره مهدی موعود شباهت دارد.

در منابع یهود

اعتقاد به آمدن شخصی فوق‌العاده در بحرانی‌ترین ایام روزگار و انتظار او
 و دادرسی او نسبت به بندگان خدا در منابع کنونی یهود هم با همه تحریفاتی که
 در آنها طی قرون متمادی پدیده آمده چشمگیر است.

در زبور داود، کتاب دانیال نبی، کتاب اشعیا نبی و غیره از این معنی
 سخن رفته، و از این نظر تطبیق آن با مسئله مهدی موعود کمال شباهت دارد.
 «مزامیر» یعنی سرودهای حضرت داود جزء تورات کتاب مقدس و
 مشهور یهود است که نزد نصارا نیز مقدس می‌باشد. و آن را «عهد عتیق» یا
 «عهد قدیم» می‌دانند.

اینک قسمت‌های جالبی از مزامیر داود راجع به آمدن او که یهود و نصارا
 باید در انتظار او باشند نقل می‌شود.

در مزمور ۳۷ خداوند به داود تسلی می‌دهد که از کثرت شیران واهمه
 نداشته باشد، زیرا سرانجام همه آنها نابود خواهند شد، بدین گونه:

«خود را مشوش مساز که البته باعث گناه خواهد شد، زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما «منتظران» خداوند وارثان زمین خواهند بود... حلیمان وارث زمین خواهند شد و از فراوانی سلامتی متلذذ خواهند گردید... صالحان را خداوند تأیید می‌کند. خداوند روزهای «صالحان» را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود. آنانی که از وی برکت یابند «وارث زمین» گردند و آنانی که ملعون وی‌اند منقطع خواهند شد...

صالحان وارث زمین خواهند بود و در آن تا ابد سکونت خواهند نمود!... عاقبت شریران منقطع خواهند شد و نجات صالحان از آن خداوند است... منتظر خداوند باش و طریق او را نگاه دار تا تو را به وراثت زمین برافرازد. این مطلب که در مزمور ۳۷ است، عیناً در قرآن مجید آمده است، بدین گونه: «و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون»^(۶) یعنی: «مادر زبور» از ذکر^(۷) نوشتیم که سرانجام زمین را بندگان صالح و شایسته ما به ارث خواهند برد.

و نیز در مزمور ۷۳ از جمله می‌گوید: «در زمان او صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، و از حکمرانی خواهد کرد، از دریا تا دریا و از نهر تا اقصای جهان جميع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد، و جميع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود».

در مزمور ۹۶ می‌خوانیم که: «قوم‌ها را به انصاف داوری خواهد نمود. آسمان شادی کند و زمین مسرور گردد، دریا و پری آن غرش نماید، صحرا و هر چه در آن است به وجد می‌آید، آنگاه تمام درختان جنگل ترنم خواهند نمود به حضور خداوند زیرا که می‌آید، زیرا که برای داوری جهان می‌آید».

همچنین در مزمور ۹۷ می‌گوید: «آسمان‌ها عدالت او را اعلام می‌کنند و جميع قوم‌ها جلال او را می‌بینند، پرستندگان بت‌های تراشیده خجل

می‌شوند».

در کتاب صفتیای نبی (عهد عتیق) باب سوم سطر ۸ و ۹ می‌خوانیم که: «خداوند می‌گوید برای من منتظر باشید، زیرا که قصد من این است که امت‌ها را جمع نمایم و ممالک را فراهم آورم. در آن زمان، زبان پاک به امت‌ها باز خواهم داد تا جمیع ایشان اسم یهوه (خدا) را بخوانند و یک دل او را عبادت نمایند».

در قرآن مجید آیه ۵۵ سوره نور که درباره ظهور امام زمان و مردم زمان او تفسیر شده است، می‌خوانیم که: «یعبدوننی ولا یشرکون بی‌شیئاً» یعنی در آن موقع همه مردم مرا عبادت می‌کنند و دیگر به من شرک نمی‌ورزند. و در کتاب حقوق نبی (عهد قدیم) باب دوم از جمله می‌خوانیم که: «اگرچه تأخیر نماید، برایش منتظر باش، زیرا که خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود، بلکه جمیع امت‌ها رانزد خود جمع می‌کند و تمام قومها را برای خویشان فراهم می‌آورد».

در این باره دو آیه شریفه در قرآن مجید هست. نخست آیه: «فقل انما الغیب لله، فانظروا انی معکم من المنتظرین»^(۸) یعنی: بگو فقط خدا غیب‌دان است، پس منتظر قیام مهدی باشید که من نیز با شما از منتظرانم. و دیگر آیه: «فانتظروا انی معکم من المنتظرین»^(۹) منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.

در کتاب زکریای نبی (عهد قدیم) باب چهاردهم سطرهای ۱ و ۲ و ۷ و ۹ و ۱۱ می‌خوانیم که: «اینک روز خداوند می‌آید... و آن یک روز معروف خداوند خواهد بود، نه روز و نه شب... در آن روز یهوه (خدای) واحد خواهد بود».

در قرآن مجید این آیه هست که: «و لقد ارسلنا موسیٰ بآیاتنا ان اخرج

قومک من الظلمات الی النور و ذکرهم بآیات الله، ان فی ذلک لآیات لكل صبار شکور»^(۱۰) یعنی: موسی را همراه آیات خود فرستادیم و گفتیم که قوم خود را از ظلمت‌ها به نور درآور، و روزهای خداوند را به آنها یادآور شو که در آن نشانه‌هایی است برای هر بردبارِ شکرگزاری.

در «خصال» شیخ صدوق است که امام باقر فرمود: «ایام الله (روزهای خداوند) سه روز است: روز قیام قائم آل محمد، روز رجعت و روز قیامت». و در کتاب اشعیای نبی (عهد قدیم) می‌خوانیم که: «مسکینان را به عدالت یآوری خواهد کرد... و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود. کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت، و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفلان گرسنگی آنها را خواهند راند» و در باب چهل و پنجم آن کتاب است که: «... امت‌ها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند».

و در باب شصت و پنجم است که: «گرگ و بره با هم خواهند زیست». در این باره پس از بررسی منابع مسیحیت، نظر اسلام را درباره ظهور مهدی موعود خواهیم دید.

در منابع مسیحیت

راجع به سابقه آمدن مهدی و یاران او و جهان در عصر او و آمدن او در تاریک‌ترین ادوار روزگار، و تشکیل حکومت واحد جهانی، در انجیل‌ها سخن‌ها رفته است.

در انجیل متی، باب ۲۴ حضرت عیسی در پاسخ شاگردانش که پرسیدند:

«به ما بگو این امر کی واقع می‌شود و نشان آمدن تو و انتضای عالم چیست؟ عیسی در جواب ایشان گفت: ... اینک شما را از پیش خبر دادم... همچنان که برق از شرق ساطع شده تا به مغرب ظاهر می‌شود ظهور پسر انسان نیز چنین خواهد شد... و پسر انسان را ببینید که برابره‌های آسمان با قوت و جلال عظیم می‌آید... لهذا شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید پسر انسان می‌آید».

این سؤال و جواب در سایر انجیل‌ها هم آمده است، اما در آن جاها راجع به آمدن خود عیسی سؤال نشده است، مثلاً در انجیل مرقس باب ۱۳ می‌گوید: «چون او بر کوه زیتون مقابل هیکل^(۱۱) نشسته بود، پطرس و یعقوب و یوحنا و اندریاس سرّاً از وی پرسیدند ما را خبر ده که این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک شدن این امور چیست؟»

عیسی همان مضمون گذشته را جواب می‌دهد تا آن جا که می‌گوید «آن‌گاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم بر ابرها می‌آید. در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه، از انتهای زمین تا به اقصای فلک فراهم خواهد آورد...».

جالب است که مسترها کس آمریکائی کشیش ساکن همدان در کتاب فارسی «قاموس مقدس» که شرح لغات تورات و انجیل است به عکس همه موارد برای «پسر انسان» عنوان خاصی قرار نداده، بلکه آن را در عنوان «پسر خواهر» آورده است! و در لفظ «مسیح» می‌نویسد: «در اناجیل هشتاد مرتبه خود را به ایشان (شاگردانش) پسر انسان خطاب نموده» و در عنوان «پسر خواهر» می‌گوید: «این لفظ در عهد جدید (انجیل‌ها) هشتاد دفعه مذکور است، و در سی موضع از آنها قصد از آن، خداوند ما عیسی مسیح است که خود در حق خود فرموده است».

ولی توضیح نمی‌دهد که در ۵۰ مورد دیگر منظور عیسی از پسر انسان کیست؟ اگر در لفظ «مسیح» گفته است همه این هشتاد مورد منظور خود عیسی است، دیگر چرا در عنوان «پسر خواهر» می‌گوید ۳۰ مورد آن منظور عیسی است؟ و چرا این ۸۰ مورد را در همان عنوان «پسر انسان» نیاورده است؟! آیا این نمی‌رساند که عیسی خواسته است بگوید مهدی آخرالزمان فرزند انسان کامل پیغمبر خاتم می‌آید، و من هم از آسمان با کمک ابرها فرود می‌آیم و به کمک او دنیا را پر از عدل و داد می‌کنم؟!!

کنجی شافعی از علمای اهل تسنن از ابن ماجه قزوینی در کتاب «سنن» نقل می‌کند که گفته است: «روایات درباره ظهور مهدی آل محمد» به حد تواتر رسیده است که او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند، و با عیسی بن مریم قیام می‌نماید، و عیسی علیه السلام به وی در کشتن دجال (مظهر دروغ و تزویر) در فلسطین کمک خواهد کرد. مهدی با مردم نماز می‌گزارد و عیسی به وی اقتدا می‌کند».

در بسیاری از روایات معتبر شیعه در تفسیر این آیه «ان شاء نزل علیهم من السماء آیه»^(۱۲) یعنی: اگر بخواهیم می‌توانیم علامتی بر آنها از آسمان فرو فرستیم، گفته‌اند: هنگام کشمکش اهل شام و انقلاب بزرگ که در حوالی فلسطین روی می‌دهد، منتظر ظهور مهدی باشید، و این علامت آسمانی به قدری وحشت‌آور است که دوشیزگان سراسیمه از پرده بیرون می‌دوند و آنها که در خواب هستند از خواب پریده و آنها که بیدارند به خواب می‌روند.

نیز کنجی شافعی از «صحیح مسلم» نقل می‌کند که پیغمبر در ضمن حدیث مفصلی راجع به دجال فرمود: عیسی بن مریم در مشرق دمشق در حالی که دو دست خود را روی شانه دو فرشته نهاده است، در میان مسلمانان فرود می‌آید و پشت سر مهدی نماز می‌گذارد.

نیز کنجی شافعی در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» روایت می‌کند که پیغمبر فرمود: «چگونه خواهید بود در وقتی که عیسی بن مریم در میان شما فرود می‌آید و امام شما (مهدی) هم در میان شماست؟» سپس کنجی شافعی می‌گوید: این حدیث مورد اتفاق تمام محدثین اهل سنت است.

دانشمند نامبرده از ابن عباس روایت می‌کند که پیغمبر (ص) فرمود: «امتی که من در اول، و مهدی در وسط، و عیسی در آخر آن باشد، هرگز از میان نمی‌رود»، سپس می‌گوید: «واسطه بودن مهدی نسبت به عیسی نسبی است، زیرا عیسی اندکی بعد از ظهور مهدی خواهد آمد و مردم را دعوت به پیروی از مهدی و دین اسلام می‌کند که تنها آئین جهانی آن روز است».

این را ما از علمای اهل تسنن نقل کردیم. آنچه علمای شیعه در این باره نوشته‌اند بسیار مفصل است و اصولاً شیعه و سنی در این باره کتاب‌ها نوشته‌اند و سخن‌ها گفته‌اند.

این بود دورنمایی از موعود جهانی در عقاید مشترک مذهبها مبنی بر این که آمدن نجات دهنده دنیا از اسرار بزرگ الهی است، و در عقیده شیعیان جهان او کسی جز مهدی موعود اسلام و امام دوازدهم آنان نیست.

صادق هدایت نویسنده مشهور که دارای افکار خاصی بود و جنبه مذهبی هم نداشت می‌نویسد: «هر چند مبانی مذاهب سامی هنوز کاملاً برای تاریخ مذاهب روشن نشده است، اما راجع به موعود، در مذاهب عیسی و یهود و مانی و اسلام، انتظار نجات دهنده‌ای را دارند که خواهد آمد و همه دنیا را اصلاح خواهد نمود، معهداً در بعضی جزئیات، با یکدیگر فرق دارند، مثلاً یهودیان و عیسویان چشم به راه رجعت مسیح می‌باشند، در صورتی که در اسلام ظهور می‌کند، یعنی امامی که غایب است به موقع ظاهر می‌شود و دنیا را پس از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از عدل و داد می‌نماید.

یهودیان و عیسویان نجات دهنده را مسیح می نامند که برگزیده شده (کتاب اشعیا، باب شصت و یکم - ۱). در مذاهب یهود و مسیح و زرتشتی قبل از ظهور نجات دهنده قوای بدی ظاهر می شود. نزد یهود هجوم یاجوج و ماجوج، نزد عیسویان ازدها یا جانور یوحنائی Apocalypse و پیغمبر کذاب، نزد زرتشتیان مار ضحاک که همان anteehriste عیسویان، و دجال مسلمانان است.

نزد هر سه ملت نجات دهنده از دودمان عالی مرتبه خواهد بود. نزد یهودیان و عیسویان از نژاد پادشاه اسرائیل، نزد زرتشتیان «سوشیانس» پسر زرتشت است و مسلمانان مانند عیسویان معتقدند که عیسی باید قوای بدی را منهدم بسازد و دجال یا پیغمبر کذاب ظهور بکند، ولیکن اسلام همه این وظیفه را به عهده عیسی نمی گزارد و کارگشائی به دست امام غائب انجام خواهد گرفت که او نیز از اولاد پیغمبر اسلام است.»^(۱۳)

برخی از خاورشناسان که از راه دور مغرب زمین و با دید و تشخیص خود، معتقدات دینی مسلمانان مشرق را مورد مطالعه قرار می دهند امثال «دار مستر» و «ادگار بلوشه» چون دیده اند زرتشتیان و یهود و نصارا و مسلمانان همگی در انتظار موعودی هستند که در اوضاع بحرانی جهان ظهور کرده و دنیا را پر از عدل و داد می کند، تصور کرده اند که این عقیده ریشه ایرانی و آریایی دارد و بعدها به ملل نژاد سامی و پیروان سایر مذاهب سرایت کرده است!

ولی آنها از این نکته غافل مانده اند که چون موضوع نجات دهنده دنیا یک موضوع مهم عقیدتی و راز بزرگ الهی است، عقیده مشترک ملل معتقد به خدای جهان را تشکیل می دهد، و اخبار آن به وسیله همه کتب آسمانی و پیامبران الهی به مردم اعلام شده است، با این فرق که هر ملتی او را از نژاد

خود دانسته و ظهور او را به منظور بهبود کار خود تلقی می‌کنند.

حسن قائمیان دوست صمیمی صادق هدایت در کتاب «درباره ظهور و علائم ظهور» که از نوشته‌های صادق هدایت گرد آورده صریحاً می‌نویسد که صادق هدایت از وضع موجود کاملاً سرخورده شده بود و پیوسته به امید آینده بهتر و روشنی به سر می‌برد و چون به آن نرسید دست به خودکشی زد.

وی می‌نویسد: «صادق هدایت در تهیه آثار ظهور نجات‌هنده دنیا از منابع ایرانی و یهود و نصارا و اسلام‌گویی به رسالت بزرگ‌خدایی خویش کاملاً آگاه بود و آنها را عالمانه انتخاب کرده بود...».

سپس می‌نویسد: «موضوع ظهور موضوعی است که در همه مذاهب بزرگ جهان واجد اهمیت خاصی است، و در همه مذاهب مشترک است و آرزوی مشترک همه معتقدین به مذاهب بزرگ را تشکیل می‌دهد آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی...»

به قول صادق: «صرف نظر از عقیده و ایمان که پایه این آرزو را تشکیل می‌دهد، هر فرد علاقمند به سرنوشت بشریت و طالب تکامل معنوی آن وقتی که از همه سو ناامید می‌شود و می‌بیند که با وجود این همه ترقیات فکری و علمی شگفت‌انگیز باز متأسفانه بشریت غافل و بی‌خبر روز به روز خود را بیشتر به سوی فساد و تباهی می‌کشانند و بیشتر از خداوند بزرگ دوری می‌جویند و بیشتر از او سرپیچی می‌کند، بنا به فطرت ذاتی خود متوجه درگاه خداوند بزرگ می‌شود و از او برای رفع ظلم و فساد یاری می‌جویند. از این رو در همه قرون و اعصار آرزوی یک مصلح بزرگ جهانی در دل‌های خداپرستان وجود داشته است، و این آرزو تنها در میان پیروان مذهب‌های بزرگ سابقه ندارد، بلکه آثار آن را در افسانه‌های یونان، در افسانه‌های میترا در ایران، در کتاب‌های قدیم چینیان و در عقاید هندیان و در بین اهالی

اسکاندیناوی و حتی در مصریان قدیم و بومیان وحشی مکزیک و نظایر آنها می توان یافت»^(۱۴)

بنابراین، اعتقاد به ظهور نجات دهنده مقتدری که با تأییدات خاص الهی و امداد غیبی، برای همیشه بشریت را از سرگردانی و فساد و تباهی نجات می دهد و تمام روی زمین را پر از عدل و داد می کند، و همه را از یک زندگی توأم با آرامش و آسایش برخوردار می گرداند، خواست همه است. شیعیان جهان آن را در وجود مهدی موعود اسلام پسر امام حسن عسکری علیه السلام امام غائب از انظار می بینند و طی ۱۴ قرن در تمام اعصار بدان مشهور بوده اند.

او همان موعود جهانی و راز بزرگ الهی است و تا زمینه برای پذیرش او عمومی نباشد، ظهور نخواهد کرد، چون در غیر آن صورت او را هم مانند اجدادش تنها می گذارند و به قتل می رسانند، چنان که مردم کم رشد با همه پیغمبران الهی و نیاکان او چنین کردند.

آری همه باید بدانند و به این مژده دل خوش دارند تا زمانی که او از پرده غیبت به در آید و جهانیان را از لذت ظهور و حضورش شادمان گرداند.
قول حافظ:

از دست غیبت تو شکایت نمی کنم تا نیست غیبتی نبود لذت حضور

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید که ز انفاس جوشش بوی کسی می آید
از غم هجر مکن ناله و فریاد که من زده ام فسالی و فریاد رسی می آید

آنچه در این دفتر مختصر از نظر شما خوانندگان می گذرد گفتگویی است که بعضی از سران مذاهب و کیش ها با برادر مسلمان ما آقای هدایت داشته اند، خیلی چیزها را گفته اند، و خیلی ها را هم یا نگفته اند یا آمادگی آن را نداشته اند،

یا اگر اشاراتی به موعود اسلام داشته‌اند، از آن بی‌خبر بوده‌اند. مثلاً امام زمان در روایات صحیح ما، شهادت جدش امام حسین علیه السلام را دلیل بر قیام خود نمی‌داند و اگر در روایتی آمده و راست باشد می‌خواهد بگوید: ای مردم عالم، خداوند چنین انسان‌های برگزیده‌ای را برای هدایت بشر فرستاده، ببینید چگونه با او رفتار کردند. و اینک که من آمده‌ام دیگر شما از این حق ناشناسی و کشتن مردان الهی که برای نجات شما آمده است دست بردارید.

در روایات معتبر ما هست که وقتی مردم دیدند انسانی کامل برای نجات آنها آمده است و به آنها راست می‌گوید خود او را پذیرا می‌شوند و اگر سخن از جنگ و خونریزی است، عمومیت ندارد. بلکه امام زمان قوای بدی را که مظهر دروغ و تزویر و جبهه ضد خدا است، و نام آن «دجال» می‌باشد، نابود می‌کند، تا جهان از ظلم و تعدی به کلی آسوده شود و راه برای هدایت بشریت به راه راست و تشکیل حکومت واحد جهانی هموار گردد.

لازم نیست ما جلو ظلم و فساد را نگیریم تا دنیا پر از ظلم و ستم شود و او زودتر بیاید، نه، هر چه ما با ظلم و فساد مبارزه کنیم با یک گل و دو گل و سه گل دنیا گلستان نمی‌شود، چنان که می‌بینیم پس از ۱۷ سال که انقلاب اسلامی ایران به رهبری ابرمرد تاریخ جهان معاصر امام خمینی رضوان الله علیه، بر ضد ظلم و ستم در ایران زمین مبارزه شده، باز روز به روز ظلم و فساد در دنیا زیادتر می‌شود، و همه در این فکر هستند که مگر آن برگزیده خدا، امام زمان بیاید و به عبارت دیگر، دستی از غیب برون آید و کاری بکند!

دین مبین اسلام که ناسخ ادیان الهی پیشین است، مدعی است که در بحرانی‌ترین ایام روزگار مهدی موعود که ذخیره الهی و آخرین برگزیده خداوند است، و از دودمان پیغمبر اسلام و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه

زهرا علیها السلام و نهمین امام معصوم از سلاله امام حسین علیه السلام است می آید و دنیا را پر از عدل و داد می کند.

شیعیان جهان، پیروان صدیق ائمه خاندان پیغمبر عقیده دارند که سوشیانس در اعتقاد زرتشتیان و مسیح موعود در اعتقاد یهود و نصارا، و پسر انسان در اعتقاد دیگر نصارا و مهدی موعود در اعتقاد مسلمانان اهل تسنن، و نجات دهنده دنیا، خواسته همه امیدواران عالم، کسی جز امام دوازدهم حضرت حجت بن الحسن العسکری علیه السلام نیست، و او سرانجام خواهد آمد و به انتظارها پایان می دهد و همه او را پذیرا می شوند.

در روایات معتبر و صحیح ما امام زمان نه مردم را قتل عام می کند و نه اسبش تا زانو در خون می ماند، و نه سیل خون بالا می آید، بلکه ظهور امام زمان و نجات دهنده دنیا و مهدی موعود اسلام در وقتی است که دیگر مردم از همه جا سرخورده شده اند، از همه جا بریده اند، و به هیچ کس و هیچ مقامی که مدعی خدمت به خلق است، اعتماد ندارند.

چنین وضعی است که ایجاب می کند نجات دهنده بیاید و برای همیشه بشریت را از قید و بندها رها سازد و مدینه فاضله ای که افلاطون در خواب می دید، در بیداری برای جهانیان پدید آورد.

در پایان تذکر این نقطه را لازم می دانیم که طبق روایت شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» ابوبصیر از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید: تفسیر آیه «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله ولو کره المشرکون»^(۱۵) یعنی: او خداوندی است که فرستاده خود را با هدایت و دین حق می فرستد تا بر تمامی دین ها پیروز گردد هر چند مشرکان نخواهند. چیست؟ چه موقع خداوند فرستاده خود را با هدایت و دین حق می فرستد تا او را بر همه دین ها غالب گرداند؟ حضرت فرمود: «ای ابوبصیر! هنوز موقع

«تأویل» آن نرسیده است.» پرسید: موقع تأویل آن کی خواهد بود؟ فرمود: «بخواست خداوند، هنگامی که قائم ما قیام کند»^(۱۶)

علامه کراچکی در «کنزالفوائد» از عبایه ربعی روایت می‌کند که امامیرمؤمنان علیه السلام این آیه را تلاوت نمود و سپس فرمود: «به خدائی که جان من در دست اوست بعد از ظهور وی (مهدی) قریه‌ای نیست که صبح و شام بانک «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله» در آن بلند نشود».

در کتاب مزبور از عبدالله بن عباس روایت می‌کند که راجع به تفسیر این آیه گفت: در آن روز تمام یهود و نصارا و پیروان هر کیشی به دین حنیف اسلام می‌گروند و گرگ و میش و گاو و شیر و انسان و مار از جان خود ایمن می‌باشند «و این به هنگام ظهور قائم آل محمد» است^(۱۷) (کنایه از عدالت عمومی است که در پرتو ظهور آن حضرت در سراسر جهان گسترش می‌یابد). در حدیث مشهور «مفضل بن عمر» نیز آمده است که وی از حضرت صادق علیه السلام پرسید: تأویل «لیظهره علی الدین کله» چیست؟

فرمود: «ای مفضل! به خدا قسم قائم ما اختلاف را از میان ملل و ادیان برمی‌دارد و همه دین‌ها یکی می‌شود چنانکه خداوند فرموده است: «ان الدین عند الله الاسلام» دین در نزد خداوند تنها دین اسلام است.^(۱۸) فرمود: «و من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه و هو فی الآخرة من الخاسرین» یعنی: هر کس جز آئین اسلام را بپذیرد از وی پذیرفته نمی‌شود و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.^(۱۹)

پانوشتها:

- ۱ - مورخان وجود او را از ۶۶۰ تا ۱۵۰۰ قبل از ميلاد دانسته‌اند!
- ۲ - تاريخ جامع ادیان - علی اصغر حکمت - ص ۳۱۹.
- ۳ - نام ديگر «سوشیانت» - نجات دهنده دنياست.
- ۴ - زند و هومن یسن، ص ۲۵.
- ۵ - زند و هومن یسن، ص ۱۲۱، ۱۲۲.
- ۶ - آیه ۱۰۵، سوره انبیاء.
- ۷ - در این جا «ذکر» به معنی تورات اصلی یا همه کتب آسمانی پیشین است.
- ۸ - سوره یونس، آیه ۲۰.
- ۹ - سوره یونس، آیه ۱۰۲.
- ۱۰ - سوره ابراهیم، آیه ۵.
- ۱۱ - معبد داود و سلیمان که در جای امروزی مسجد اقصی بوده است.
- ۱۲ - سوره حج، آیه ۶۰.
- ۱۳ - مقدمه کتاب «زند و هومن یسن»، ص ۲۳.
- ۱۴ - درباره ظهور و علائم ظهور، حسن قائمیان، ص ۴۷.
- ۱۵ - سوره صف، آیه ۹.
- ۱۶ - مهدی موعود، ص ۲۵۶.
- ۱۷ - مهدی موعود، ص ۲۵۷.
- ۱۸ - سوره آل عمران، آیه ۱۹.
- ۱۹ - سوره آل عمران، آیه ۸۵.

موعود جهانی کیست؟

موعود کیست؟ چه ویژگی‌هایی دارد؟ چه زمانی و چگونه خواهد آمد؟ به راستی، او خواهد آمد یا وعده‌ای است که برای تحمّل رنجها و مشقت‌های زندگی داده شده است؟ در چه شرایطی خواهد آمد؟ اعتقاد به آمدن و ظهور او خاصّ یک گروه و یک دین است، یا دین‌ها و ملت‌های دیگر هم به آمدن فردی با ویژگی خاصی اعتقاد دارند؟ او به تنهایی می‌آید یا کسانی او را همراهی خواهند کرد؟ و...

دهها سؤال در ذهن هر انسانی که از وضع جامعه کنونی بشریت، ظلم و فساد، فحشا و منکر، مواد مخدر، قتل و غارت قانونی و غیر قانونی و... به ستوه آمده و آنانی که به آینده بشریت می‌اندیشند، جا گرفته است. هر کسی از دیدگاه مذهب و مرام خود به آنها می‌نگرد و پاسخی قانع کننده برای آن نمی‌یابد یا ناقص می‌یابد. بسیاری هم سرگردان این دشت بی حاصل هستند که به گرد خویش در آن کسویر می‌چرخند و پناهی نمی‌یابند.

اعتقاد به آمدن فردی استثنائی در میان مسلمانان ریشه دوانده

است که به داد بشریت می رسد و سرانجام آنها را به سامان می رساند و همه را در زیر یک پرچم و تحت قوانین یک حکومت گرد می آورد. اما این که او کیست، فرزند چه کسی است، در چه شرایطی و با چه ویژگی هایی خواهد آمد؟ و ... بحث های زیادی وجود دارد.

این نوع بحث ها در میان دین ها و مسلک ها و مرام های دیگر نیز وجود دارد. کمتر راه و روشی وجود دارد که در مورد آینده بشریت سکوت اختیار کرده و از فردی سخن نگفته باشد، «که می آید و داد را از بیداد گران می ستاند و انسان را به آرامش روحی و جسمی می رساند...»

ما برای پی بردن به بحث «موعود» و این که انسانی فوق العاده ظهور خواهد کرد، به دیدار رهبران دینی چند مذهب و کیش رسمی و غیر رسمی کشور رفته و در مورد «آن که خواهد آمد» با آنان به گفتگو نشستیم.

گفتگو با اسقف اعظم ارامنه ایران «آرژاک مانوکیان»

«مارکاریان» جوانی حدود ۲۷ ساله، مسئول روابط عمومی خلیفه گری ارامنه ایران در تهران است. صورتی تراشیده و پوشیده از لبخند دارد. با تبسمی به لب به درخواست ما گوش می دهد. آنگاه با صدای اندکی زیر می گوید: «جناب اسقف اعظم، آرژاک مانوکیان حتماً در این مورد صحبت می کنند. فقط یکی دو روز مهلت بدهید.»

چند روز بعد تلفن می کند و قرار ملاقات می گذارد. روز قرار فرا

می‌رسد. به اتفاق آقای مارکاریان وارد سالن تشریفات در طبقهٔ دوم ساختمان خلیفه‌گری می‌شویم. سالن آراسته به نقاشی‌هایی از عیسی مسیح و حواریان است. رنگ دیوار و سقف، گُل‌کاریها، فرش کف سالن، میزها، صندلی‌ها و مبلمان‌ها همه یادآور دوران گذشته هستند. وقتی در سالن بسته می‌شود و رابطه‌مان با دنیای خارج قطع می‌شود، خود را در قرن‌های گذشتهٔ اروپا می‌یابیم. قرن‌هایی که حکومت‌های روحانیان مسیحی بر اروپا سایه افکنده بود و آنان با جاه و جلال و اکرام از راهروها عبور می‌کردند و قدم‌های خود را روی فرش‌های زیر پا می‌نهادند...

... اطرافیان سر فرود می‌آوردند و به جان رهبران مقدس خود دعا می‌خواندند و دشمنان آنان را به تیر نفرین می‌دوختند. وقتی روحانی فرمانروا بر کرسی فرماندهی می‌نشست و دست‌های خود را روی دستی صندلی می‌گذاشت و اندکی جلو می‌راند، همه، یکی یکی می‌آمدند و از دست مبارک و انگشترهای نایاب او بوسه می‌گرفتند و تن خود را متبرک می‌کردند و او لبخندی حاکی از رضایت می‌زد.

«ما چه باید بکنیم، به پایش بلند شویم، به جلویش برویم، با او دست دهیم، یا زانو زده و دستش را غرق بوسه کنیم؟ اما برای چه؟ مگر او انسانی همچون ما نیست؟ فقط درس مذهبی خوانده و لباسی به تن کرده که به او جلوه تقدس داده است. از طرف دیگر نه ما به کیش او ایم و نه برای زیارت و تبرک‌جویی آمده‌ایم و نه مذهبی که به آن پای بندیم، اجازه این اعمال را به ما می‌دهد... این افکار در مدتی که منتظر او ایم، چون سیل از ذهنمان جاری می‌شود.

در باز می شود. موکت سرخ رنگ کف سالن به راهرو می رود و از آنجا به در اتاق ها و پله ختم می شود و ادامه می یابد. او به آرامی گام های خود را یکی بعد از دیگری برمی دارد و به سالن نزدیک می شود. آن تجسم شکوه ذهنی ما از او فرو می ریزد.

او به تصور ما از یک اسقف اعظم، شباهتی نداشت. او انسانی با قدی حدود ۱۶۰ سانتی متر، بدون کلاهی بر سر و صلیبی به دست است. به احترامش بلند می شویم و چند قدم جلو می رویم. دستش حالتی وارفته پیدا می کند و انگار برای بوسه زدن ما به حرکت درمی آید. سست و آرام. دستمان دستانش را می گیرد و می فشارد: «سلام!»
با لحنی که لهجه ارمنی از آن می بارد: «سلام».

این «آردا که» همان «اسقف اعظم آرامنه ایران است. به هنگام معرفی خودمان درباره موضوع، متوجه می شویم که بیش از چند کلمه فارسی نمی داند و یا نمی خواهد فارسی صحبت کند.

آقای مارکاریان حرف هایمان را ترجمه می کند. او فقط برای لحظاتی خیلی کوتاه لبهایش را به علامت لبخند، به طرف گونه هایش می دهد. لباسش مثل لباس روحانیان مسلمان است. موی سرش نه چندان کوتاه اما ریشش بلندتر از موی سرش است. آدمی بسیار متعصب و خشک مذهب به نظر می رسد تا به هنگام سؤال و جواب بشناسیمش!

سؤال، ترجمه و جواب و ترجمه جواب شروع می شود.

□ آیا شما آرامنه و مسیحیان، منتظر شخص یا شخصیتی هستید که بیاید و تغییراتی در اجتماع بشری به وجود آورد؟ چون بعضی از ادیان منتظر فردی هستند که بیاید و

تغییراتی در نوع برخورد های بشری با هم ایجاد کند.

با صدای آرام و اندکی زیر، در حالی که چشمهایش را به ما دوخته پاسخ می دهد:

● دین ما نیز مثل اکثر ادیان دیگر که به آمدن فردی اعتقاد دارند، به ظهور مجدد حضرت عیسی اعتقاد دارد. همه مسیحیان هم به این معتقدند. چون خود حضرت ایشان اعلام کرده اند و در انجیل هم آمده است. حضرت عیسی فرموده: «من اکنون می روم و باز خواهم گشت». حتی کلیسای ما نیز یکی از یکشنبه های عید خود را «یکشنبه بازگشت» نامیده است.

در این روز کلیه مراسم مختص به مسیح است ولی زمان بازگشت ایشان معلوم نیست و کسی هم در این مورد چیزی نمی داند و خودشان فرموده اند، «کسی نمی داند کی باز می گردم. علایم زمان بازگشت من، نشانه هایی چون زلزله در زمین، رعد و برق در آسمان خواهد بود». او پس از این نشانه ها دوباره ظهور خواهد کرد اما خبری در مورد تغییرات اجتماعی به ما داده نشده است.

□ این شخصیت چه مشخصات ظاهری دارد؟

● هیچ نشانه خاصی درباره او داده نشده است. یعنی در رابطه با ظاهر فیزیکی او، اطلاعاتی در دست نیست.

□ او چه مشخصات و ویژگی های اخلاقی و اجتماعی دارد؟

● چیزی مشخص نیست.

□ وقتی او ظهور می کند، چه تأثیراتی از خود به جا

می گذارد؟

- کتب مقدّس، ارزش های اخلاقی و انسانی، اعتقاد به خدا و ارزش های معنوی را ترویج می کند.
- حال که معتقدید مسیح دوباره خواهد آمد، وعده باز آمدن او از زبان چه کسی داده شده است؟
- از طرف خود حضرت مسیح به باز آمدنش اشاره شده است.
- حال، در چه شرایط اجتماعی خواهد آمد؟
- در مورد شرایط اجتماعی، زمان ظهور او، خبری داده نشده است. حتی کشور محل ظهور او هم مشخص نیست.
- او چگونه می آید؟
- چگونه آمدنش هم مشخص نیست.
- وقتی آمد، چه می کند؟
- تعالیم دینی را ترویج خواهد داد.
- هدف او از آمدن چیست؟
- ترویج تعالیم دینی.
- تأثیر این نوع انتظار بر مسائل دینی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و صنعتی چیست؟
- در متون مقدّس مطلبی در این مورد نیامده است.
- حال، از نظر دین شما، شرایط منتظر بودن یک فرد معتقد به انتظار چیست؟
- هیچ موقعیت مشخصی برای ظهور در متون مشخص نشده است اما از طریق دعاها، آموزش آمادگی برای بازگشت ایشان به مردم داده می شود.
- آیا آمدن موعود و مسیح یک وعده صرف است یا یک

حقیقت است؟ یعنی آیا این موضوع برای امیدوار کردن به زندگی عنوان می‌شود؟

● این حقیقت است. وقتی او بیاید، مرز کشورها از بین خواهد رفت. دادگاه آخری بوجود خواهد آمد و هر کس به سزای عمل خود خواهد رسید و پس از بازگشت ایشان مسئله دوزخ و بهشت رفتن افراد روشن خواهد شد.

□ چرا عده‌ای به آن شخصیت موعود عقیده ندارند؟

● هر کس در عقیده خود آزاد است. می‌تواند معتقد باشد، یا نباشد.

□ چه کسانی با موعود به مخالفت خواهند پرداخت؟

● چیزی در مورد افراد مخالف او، به ما گفته نشده است و کسی چیزی در آن مورد نمی‌داند.

□ «انتظار» چه تاثیرهایی روی جامعه و افراد می‌گذارد؟

● هر کس منتظر پاداش اعمال خودش است و روشن شدن مسئله بهشت و دوزخ.

□ «انتظار» چه تاثیری روی خود فرد «منتظر» می‌گذارد؟

● خود را ملزم به رعایت قوانین اجتماعی، الهی و انسانی می‌کند. اگر مسئله انتظار هم نبود، انسان‌ها ملزم به رعایت این ارزش‌ها بودند.

□ آیا در میان مسیحیان، قوم، قبیله یا عده‌ای بوده‌اند که

مراسم خاصی برای به دست آوردن آمادگی به هنگام ظهور

او داشته باشند؟ مثلاً در میان شیعیان گروهی در خراسان با

نام سربداران بودند که چشم به انتظار او داشتند و هر از

چندی مسلحانه برای پیشواز از او در محلی خارج از شهر

جمع می شدند. آیا چنین گروهی در میان شما بوده است؟
 ● در سال ۱۰۰۰ میلادی، اشخاص زیادی منتظر ظهور ایشان بودند که ظهور نکردند. چرا که احتمال ظهور او در هر «یک هزار سال» یک بار است.

□ آیا شما به غیر از مسیح، اساطیری را دارید که به عقیدهٔ مردم برای مبارزه با ظلم، دوباره قیام کنند؟

● اساطیری هست ولی چیز خاصی در مورد آن نمی توان گفت.

□ آیا او به همراه کسی ظهور می کند یا به تنهایی می آید؟

● به تنهایی می آید.

□ سپاسگزارم که وقت خودتان را در اختیار ما قرار دادید و

امیدوارم با چنین کارهایی مذاهب به هم نزدیک شوند.

از روی صندلی برخواستیم و دست دادیم و «خداحافظ»، «خداحافظ»
 و چند قدم هم او را بدرقه کردیم.

آقای مارکاریان پرسید: «چطور بود؟»

□ اصلاً خوب نبود. از متن انجیل، قدم بیرون گذاشت. من چند بار متن انجیل را خوانده بودم. چیز بیشتری حتی نظر شخصی او را در این موارد به دست نیاوردم.

مارکاریان: او واقعاً مقدّس است!

یک اسطوره ارمنی در مورد امید دادن به مردم می گوید: سالها سال قبل «داوید ساسونی» پدر «داوید مُهَر» برای آزادی ارمنستان و رهایی مردم از زیر ظلم و ستم و تسلط اعراب، سالها جنگید و مبارزه کرد. کار او به جایی نمی رسد و از دنیا می رود. فرزند او «مُهر کوچک» کار پدر را

پی می‌گیرد ولی کاری نمی‌تواند بکند. شکست می‌خورد. او به غار «صخره کلاغها» پناه می‌برد که در نزدیکی شهر «وان» ترکیه شرقی و در نزدیکی مرز ایران قرار داشت، وارد غار می‌شود و در غار بسته می‌شود و او در آنجا می‌ماند.

او قبل از پناه بردن به غار «صخره کلاغها» به پیروان خود گفته است: زمانی ظهور می‌کنم که شرایط زمین آماده باشد. دانه‌های گندم به بزرگی گردو باشد و زمین بتواند وزن اسب را تحمل کند.

ارمنی‌ها معتقدند؛ هر سال در شب خاصی، در صخره باز می‌شود، مِهْرُ با اسبش به در غار می‌آید. وقتی اسبش پایش را روی خاک می‌گذارد، در آن فرو می‌رود. مِهْرُ به درون غار برمی‌گردد. چرا که زمین را آماده قیام خود نمی‌یابد.

آنان معتقدند؛ «داوید ساسونی» در هر روز به اندازه ۷ سال رشد می‌کرده، قدرت زیادی داشته، اسبش پرواز می‌کرده و از نوک شمشیر او رعد و برق بیرون می‌جهیده است.

مارکاریان معتقد است که داوید ساسونی به قرن دوازدهم میلادی تعلق داشته و هنوز این اسطوره در حافظهٔ ارمنی‌ها اندکی زنده است. او در ادامه توصیه می‌کند؛ «برای به دست آوردن اطلاعات بیشتر به کلیسای کاتولیک‌ها یا خلیفه‌گری کاتولیک مراجعه کنید».

وقتی به آنجا مراجعه می‌کنیم، کسی زبان فارسی را نمی‌فهمد. با بخش فرهنگی و مذهبی کنسولگری واتیکان تماس می‌گیریم. آنان که به سؤالات جوانان از طریق رادیو «مونت کارلو» پاسخ می‌دهند، می‌گویند: سیاست ما در ایران مصاحبه نکردن با مطبوعات است و متأسفیم».

جناب آرداک مانوکیان که اسقف اعظم است سالها قبل به عنوان «آبغا» یا طلبه وارد مدرسه شده، دوره‌های تعلیمات دینی را گذرانده و تز دانشگاهی خود را با موفقیت پشت سر گذاشته تا این که «وارتابد» یا معلم دینی شده است.

اگر وارتابدی خدمات خاصی انجام دهد، به درجه «وارتابد ارشد» می‌رسد. اگر او بتواند، از دانشگاه‌های غیر مذهبی هم مدرکی به دست آورد، «پیس کوپوس» یا اسقف می‌شود. بعد از این که به درجه اسقفی رسید، می‌تواند رهبری حوزه‌های منطقه‌یی شود. اگر کسی بتواند درجه «جاسلیق اعظم» یا رهبری و مرجعیت دینی را به دست آورد، جهت تقلید، مردم را به سوی خود خواهد کشاند.

«جاسلیق اعظم ارمنیان» بالاترین مقام دینی و سیاسی است که یکی در ارمنستان و نفر دوم در حومه بیروت زندگی می‌کند. کلیساهای ایران به مرجع تقلید یا جاسلیق اعظمی که در بیروت زندگی می‌کند، وابسته هستند و در ایران با نام «گریگوری»، «کلیسای حواری ارمنی» یا «کلیسای گریگوری» که محل اسقف اعظم است، مشهورند.

گفتگو با «حکاکیان» معلم دینی یهودی کشور و «هارون یشایایی» دبیر انجمن کلیمیان ایران

بعد از قرارهای مختلف، حق با ما یار شد و آقای حکاکیان، معلم دینی یهودیان کشور و آقای هارون یشایایی، دبیر انجمن کلیمیان ایران در کتابخانه مرکزی یهودیان به تور ما می‌افتند و در مورد «موعود» به

سؤالهایمان جواب دادند. البته آقای حکاکیان با تأخیر به جمع ما پیوست. آقای یشایی؛ دبیر انجمن کلیمیان ایران در پاسخ به این که «آیا شما منتظر شخص یا شخصیتی هستید که بیاید و تغییراتی در اجتماع به وجود آورد؟ چون چندی قبل که به دفتر انجمن آمده بودیم، زن جوانی در پاسخ به این که آیا شما معتقد به موعود هستید یا نه؟ گفت؛ اول باید دید، آمدن فردی یک واقعیت است یا نه، امیدی تو خالی برای تحمل راحت تر زندگی و دشواری های آن است؟» بعد به خود موعود پرداخت. حال نظر شما در این مورد چیست؟ «گفت: آن چه فرهنگ دینی و اعتقادی یهودیان را می سازد و به فرهنگ توحیدی آنان شکل می دهد، «امید به رحمت خداوند» به عنوان یک اصل است. چرا که خداوند رحمت خود را برای همه و بخصوص شامل حال یهودیان می داند. به این دلیل، آنان آن مدتی را که در گوشه و کنار جهان زندگی می کردند، امیدشان را از دست ندادند.

دبیر انجمن یهودیان ایران در ادامه به انواع امید پرداخته به «مهدی» می رسد: امید شکل های گوناگونی دارد. در جایی به شکل «ماشیح» یا مهدی ظهور می کند. «ماشیح» یعنی کسی که در پی همه ستم های جاری که به بشر می شود، ظهور خواهد کرد. ظهور ماشیح، مشکل گشای همه مشکلات زندگی انسانی خواهد بود و در آن فصل، عدالت استقرار خواهد یافت.

آقای هارون یشایی در ادامه به جملاتی از گفتار «اشعیاء» نبی در مورد ظهور ماشیح پرداخته، می گوید: «او که از معتبرترین پیامبران یهودی است در مورد ظهور ماشیح می گوید: به هنگام ظهور او گرگ با

بزه در کنار هم آسوده زندگی خواهند کرد. ملت‌ها برادرانه با هم زندگی خواهند کرد. دشمنی و عناد از جهان رخت برخواهد بست. روشنایی استمرار خواهد یافت...»

او به کتاب مراجعه کرده، چنین ادامه می‌دهد: «مردی مثل پناهگاهی از باد و پوششی از طوفان خواهد بود و مانند تیرهای آب در جای خشک و سایه صخره عظیم بر زمین سخت آورنده خواهد بود و چشمان بینندگان تار نخواهد شد و گوش‌های شنوندگان اذکار خواهد کرد و دل شنوندگان معرفت را خواهد فهمید.»

در ادامه اضافه می‌کند: «این توصیف وضع ماشیح است. البته ماشیح، تجسمی مذهبی دارد. در عین حال به طور کامل، انسانی است. او خاص قوم یهود نیست. کسی است که عدالت را بر جهان گسترش خواهد داد. امت‌ها را به دور هم جمع خواهد کرد. این موضوع، امری توحیدی و جهانی در تفکر مذهبی است.»

به عقیده دبیر انجمن کلیمیان ایران؛ امید به ظهور ماشیح، همان چیزی است که در ادیان دیگر هم دیده می‌شود. امید این که ستم باقی نمی‌ماند. یعنی همان موضوع که حافظ می‌فرماید؛

چون کار جهان یک سره بر منهج عدل است

خوش باش که ظالم نبرد راه به جایی

او در ادامه می‌گوید: «ماشیح، آدمی است که از نسل آدم متولد شده و ظهور خواهد کرد. خداوند به او این وعده را داده که عدالت را در زمین برقرار سازد. زمین را نجات دهد. انسان را نجات داده، قدوسیت را در جهان باقی بگذارد.»

وی تأکید می‌کند: «این تفکر مذهبی یهود است و بسیار بسیار در کتاب‌های زبور داود، کتاب اشعیا نبی، جامع سلیمان در باره این امید گفته شده است».

آقای هارون یشایایی در ادامه از زبان اشعیا نبی به نوع دیگری از امید اشاره کرده، می‌گوید: «بعد از خرابی معبد اول و تسلط کورش؛ پادشاه ایرانی بر منطقه یهود و انقراض حکومت یهود، عده‌ای از یهودیان به بابل کوچ می‌کنند. بعد از مدتی، کوروش فاتح به آنان اجازه می‌دهد که به معبد اول برگردند.

در این زمان اشعیا نبی، کوروش را با لقب «مسیح» یاد می‌کند؛ «خداوند به مسیح خویش یعنی کوروش که دست راست او را گرفتم تا او امت‌ها را مغلوب سازد و کمر پادشاهان را بگشاید تا درها به حضور وی مفتوح نمایند و مغازه‌ها دیگر بسته نشوند، چنین می‌گوید که من پیش یوسف خواهم خرامید و جاهای ناهموار را هموار خواهم کرد و درهای برنزین را شکسته، پشت بندهای آهنین را خواهم درانید و گنج‌های ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانید که من «یَهُوَه» که تو را به اسمت خوانده‌ام، خدای بنی اسرائیل هستم». در باب ۴۵ کتاب اشعیا نبی از کوروش به عنوان نجات بخش قوم یهود یاد می‌شود».

وی این نوع نجات را با نجاتی که ماشیح به مردم خواهد بخشید، مقایسه کرده، می‌گوید: «این نجات قوم یهود است ولی ماشیح مفهومی مذهبی و راست است که عدل را در جهان برقرار خواهد کرد».

سؤال: پس ماشیح فردی جهانی است؟

■ بله. کوروش نجات بخش قوم یهود بود ولی ماشیح نجات بخش

«انسان» است. وظیفه او گسترش عدالت است. او هم آدمی، همچون بقیه آدمهاست و از میان انسانها و به فرمان خدا و به اراده خدا ظهور خواهد کرد.

سؤال: آیا او به تنهایی ظهور خواهد کرد یا افراد و انبیائی او را همراهی می کنند؟

■ «ماشیح» اسم عامی است که به طور دقیق «چه کسی» بودن و مشخصات او عنوان نشده است. گفته شده که از سلاله و فرزندان داود است اما معلوم نیست که فرزند فلان کس باشد.

سؤال: آیا در کتاب مقدس در مورد خصوصیات ظاهری ماشیح مطالبی نیامده است؟

■ من نشنیده‌ام. فقط شنیده‌ام، او بک رویه انسانی دارد و از سلاله داود است. این تنها آدرسی از اوست که در کتاب‌های دینی ما آمده است.

سؤال: ماشیح از نظر اخلاقی و خصوصیات اجتماعی دارای چه ویژگی‌هایی است که می تواند جامعه را برانگیزاند؟

■ در کتاب‌ها، عدالت را به هنگام ظهور او تعریف کرده‌اند که «امت‌ها در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد. امتی بر امت دیگر برتری نخواهد داشت و خداوند نجات دهنده و راهنمای تمامی امت‌ها خواهد بود».

سؤال: سخن من در مورد خصوصیات اجتماعی و اخلاقی او...

■ وضع یهود، متفاوت از دیگر مذہب‌هاست. در یهود معصوم مطلق وجود ندارد و حتی انبیاء هم می توانند گناه کنند. حضرت موسی که یکی از پیامبران اولوالعزم و تنها کلیم الله است، هم به روایت تورات، گناه

می‌کند و خداوند او را به خاطر آن مؤاخذه می‌کند. یعنی ماشیح هم مثل هر انسان دیگری، توصیف انسانی دارد. فضایل اخلاقی دارد. قدرتمند است. از نظر اخلاقی در موقعیتی است که دیگر انسان‌ها را به دنبال خود می‌کشد و می‌تواند قوم، انسان و امت‌ها را رهبری کند. او مثل بقیة انسان‌ها و پیامبران دچار خشم هم می‌شود.

سؤال: ماشیح می‌آید. توانایی رهبری جامعه را از نظر اخلاقی و اجتماعی و احتمالاً از نظر قدرت نظامی دارد ولی آیا او در شرایط خاص اجتماعی ظهور می‌کند یا نه، در هر شرایطی می‌تواند بیاید؟

■ به طور کلی، ترکیب تنگ‌ر قومی مذهبی یهود بر این استوار است که وقتی بی‌عدالتی بر جهان حاکم شود و ظلم دنیا را بگیرد، ظهور ماشیح علت پیدا می‌کند. یعنی علت ظهور او، استمرار ظلم و بیدادگری است و چون ظلم نمی‌تواند دوام داشته باشد، ظهور ماشیح آن را به عدالت تبدیل خواهد کرد. در حقیقت زمینه ظهور او، بیدادگری و بی‌خودی انسان از خود خداوند است.

سؤال: آیا ظهور او فقط در شرایطی است که ظلم بر جامعه حاکم شده و انسان از خود و خدا بیگانه می‌شود؟ یا نه، شرایط دیگری هم برای ظهور او لازم است؟

■ آنچه که در اخلاق مذهبی اهمیت دارد، مثلاً: «در مجلس عشرت کنندگان نخواهم نشست و شادی نخواهم نمود، به سبب آن که منتظر دست‌های تو هستم که مرا نجات دهد». ظهور او همگام با سقوط اخلاقیات از دیدگاه مذهبی خواهد بود. در کتاب «ارمیا» نبی در مورد

و بزرگی های ماشیح آمده است: «تو را از دست شریران خواهم رهانید و تو را از کف ستمکشان آزاد خواهم کرد».

به عقیده وی، تفکر ظهور مهدی یا ظهور ماشیح با زبان های مختلف، در تمام متون تورات و کتاب های دیگر پیامبران آمده است.

به نظر وی در متن دیگری، از ماشیح به شکل تمثیلی یاد شده و آمده است: «او مثل درخت نشانده بر کنار آب خواهد بود که ریشه های خود را به سوی نهر پهن می کند و چون گرما بیاید، نخواهد ترسید و برگش شاداب خواهد ماند و در خشک سالی اندیشه نخواهد داشت و از آوردن میوه باز نخواهد ماند. یا در متن دیگری آمده: «يَهُوه (خدا) تفتیش کننده دل و آزماینده جزاها هست تا بر هر کس بر حسب راه هایش و بر وفق ثمره اعمالش جزا دهد».

سؤال: او به چه شکلی قیام و ظهور می کند؟ آیا جنگ

مسلحانه می کند یا راه دیگری را در پیش می گیرد؟

■ صهیونیست ها تلاش می کنند، از تفکر و متون تورات در مورد ماشیح، برداشت های ناسیونالیستی و ملی داشته باشند. با این عنوان که نشانه ظهور ماشیح، مهاجرت یهودیان به بیت المقدس یا جایی است که اکنون اسرائیل خوانده می شود، است. آنان یکی از علایم ظهور ماشیح را تشکیل دولت اسرائیل و تحقق و وعده ای که خداوند برای بازگشت به کوه صهیون داده، می دانند.

آقای هارون یشایی در ادامه اضافه می کند: «به اعتقاد من و بسیاری از یهودیان سراسر دنیا، بازگشت به کوه صهیون و بیت المقدس، وعده ای مذهبی است که بازگشتی اعتقادی است. «بیت المقدس»، محور تفکر

یهودی بوده و بازگشت به آن و اورشلیم، بازگشت نمادین به ریشه‌های مذهبی است. نه بازگشت فیزیکی که صهیونیست‌ها آن را تشکیل دولت اسرائیل می‌دانند».

او ضمن این که تعبیر صهیونیسم را «صرفاً تعبیری صهیونیستی» می‌داند، اضافه می‌کند: «صهیونیست‌ها، تشکیل دولت اسرائیل و تجمع یهودیان در اورشلیم را نشانه ظهور ماشیح می‌دانند و معتقدند که به هنگام ظهور ماشیح، «بیت مدقاشا» یا خانه یهودیان، جایی که نور تجلی خدا در آن جاری است، مجدداً ساخته خواهد شد».

آقای حکاکیان از راه می‌رسد. او در مورد «بیت مدقاشا» می‌گوید: «این خانه که ساخته می‌شود، خانه عدالت است. خانه‌ای است که عدالت از آنجا به تمام دنیا گسترش می‌یابد».

می‌گویند دو برادر کشاورز در محل کنونی خانه مقدس یهودیان زندگی می‌کردند. برادر بزرگتر تنها بود ولی برادر کوچکتر ازدواج کرده و دارای زن و فرزند بود. وقتی زمان جمع آوری و تقسیم محصول کاشته شده، رسید هر کس سهم خود را جدا کرد و برد و خوابید. نیمه شب، برادر کوچکتر از خواب پرید و با خود گفت: این عادلانه نیست که من که زن و بچه دارم و فردا کسی از دستم می‌گیرد، به اندازه برادرم که زن و بچه ندارد، سهم بردارم. او بلند شد و مقداری از سهم خود را برداشت و بدون جلب توجه دیگران آن را برد و به سهم برادر بزرگش اضافه کرد. برادر بزرگتر هم از خواب بیدار شد و با خود گفت: این عادلانه نیست که من یک نفر باشم و به اندازه‌ای سهم ببرم که برادرم با زن و بچه‌اش برده و خرجش از من زیاد است. او هم بلند شد و به همان مقدار که برادر

کوچکتر آورده بود، برداشت و به دارایی برادر کوچکتر اضافه کرد. صبح از خواب بیدار شدند و هر کس به خرمن ها نگاه کرده و تعجب کردند که سهم ها تغییر نکرده بود. شب بعد هم همان کار را تکرار می کنند و باز صبح روز بعد در حیرت به سر می برند. در شب سوم، آنان در یک لحظه بیدار می شوند. محصول را برمی دارند و به طرف دیگری به راه می افتند. آن دو در بین راه به هم می رسند. از نیت هم باخبر می شوند و همدیگر را به آغوش می کشند و گریه می کنند. در این موقع وحی می رسد که این مکان باید محلی برای گسترش عدالت به سراسر دنیا باشد. خدا آن قطعه زمین را برای معبد مقدس انتخاب می کند.

رو به آقای حکاکیان:

سؤال: ماشیح به چه شکلی ظهور می کند؟ آیا جنگ و خونریزی خواهد داشت؟ مسلحانه خواهد آمد یا به شکل دیگری می آید؟

یشایایی: اشعیاء نبی می فرماید که به هنگام ظهور ماشیح، شمشیرها به داس تبدیل خواهند شد و هیچ خونریزی نخواهد بود.

سؤال: به هنگام ظهور یا بعد از آن؟

یشایایی: هنگام ظهور، علاوه بر این که شمشیرها به داس تبدیل خواهند شد، نشانه هایی از خشم، غضب و کشتار در هنگام ظهور ماشیح نخواهد بود.

حکاکیان: قبل از ظهور چنین چیزی بوجود می آید و بی عدالتی دنیا را فرامی گیرد و او ظهور می کند تا عدل را در سرتاسر دنیا برقرار کند.

سؤال: آیا به هنگام ظهور او، کسی با وی مخالفت

نمی‌کند؟ منافع عده‌ای به خطر نمی‌افتد که با ماشیح مخالفت کنند؟

حکاکیان: اصلاً! ابدأ! خیر! چنین چیزی نیست! کسی جرأت مخالفت پیدا نمی‌کند.

سؤال: چه طور می‌شود که جرأت پیدا نمی‌کنند؟

حکاکیان: چون معتقدند، او صاحب عدل است و عدل و انصاف را در دنیا حکمفرما می‌کند. چون هر فرد هر قدر هم که ظالم باشد، وجدانی دارد. وقتی بنهمد که کسی برای برقراری عدل آمده، مخالفتی نمی‌کند. حضرت اشعیا نبی می‌فرماید:...

کتاب‌ها را ورق می‌زند و پس از چند دقیقه بخش و صفحه مربوطه را پیدا کرده و از آقای یشایایی می‌خواهد که آن را بخواند. یشایایی عینکش را جابجا کرده، می‌گوید: این همان چیزی است که ظهور ماشیح را به طور کامل توصیف می‌کند: «و نهالی از تنه ایشع بیرون آمده و شاخه از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت. یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس از خداوند و خوشی ترس خداوند خواهد بود و موافق رؤیت چشم خود دآوری نخواهد کرد و بر وفق سمع گوش‌های خویش تنبیه نخواهد نمود بلکه مسکینان را به عدالت دآوری خواهد نمود و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده و شریران را به نفخه لب‌های خود خواهد کشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری و طفل کوچک

آنها را خواهد راند و گاو و خرس خواهد چرید و بیچه‌های آنها با هم خواهند خوابید و شیر مثل گاو گاه خواهد خورد و طفل شیرخواره بر سوراخ مار بازی خواهد کرد و طفل از شیر باز داشته شده، دست خود را بر خانه افعی خواهد گذاشت و در تمامی کوه مقدّس من، ضرر و فسادى نخواهد کرد. زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود. مثل آب‌هایی که دریاها را می‌پوشانند و در آن روز واقع خواهد شد که ریشه «ایشع» به جهت علم قومها بر پا خواهد شد و امت‌ها آن را خواهند طلبید و سلامتی او با جلال خواهد بود و در آن روز واقع خواهد گشت که خداوند بار دیگر دست خود را دراز کند تا بقیه قوم خویش را که از آشور و مصر و فتوس و حبش و ایلام و شّار و ...»

سؤال: «ما» تقدیم؛ به هنگامی که مهدی می آید، کسانی که منافعه را به خطر می‌افتد مثل ظالمان و مجریان برنامه‌های بی‌عدالتی، مخالف سیستم عدالت گستری خواهند بود. در چنین شرایطی، ماشیح چه طور می‌تواند بیاید و حکومت کند و عدالت را هم برقرار سازد؟

یشایایی از کتاب می‌خواند: «روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت». حکاکیان: به علت روح خدایی که در او هست، مردم توانایی مقاومت در برابر او را نخواهند داشت.

سؤال: آیا مردم از طریق یک نیروی مافوق قدرت بشری به تمکین آنچه ماشیح می‌خواهند، درخواهند آمد؟

یشایایی: مردم به آن چه او می‌خواهد و می‌کند، تمکین خواهند داشت. اساس این است: «حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح

معرفت و ترس از خداوند جاری خواهد شد».

حکاکیان: وقتی ماشیح ظالمی را می بیند، نیازی به محاکمه او ندارد. می فهمد که او ظالم است. چرا؟ برای این که قدرتی مافوق در او هست. او برای تنبیه ظالم، نیازی به شلاق ندارد بلکه با کلام دهانش او را تنبیه می کند و او تنبیه می شود.

سؤال: در این صورت اعدام و زندان از بین خواهد رفت!

حکاکیان: آری، برای این که وقتی او نگاه کند، متوجه خواهد شد که چه کسی حاکم و چه کسی محکوم است. چون روح خداوندی در اوست.

یشایایی: «و جهان را به عصای دهان خویش و بشریان را به نفخه لب های خود خواهد کشت». یعنی دیگر جنگ و دعوایی در پیش نیست که لشگری با لشگر دیگری بجنگند.

حکاکیان: او با حرفش همه چیز را برطرف خواهد کرد.

سؤال: در همین جمله، «کشتن» به چه معنایی است؟

حکاکیان: یعنی اگر ظالمی وجود داشته باشد، او آن را معدوم می کند.

سؤال: پس در حقیقت به جای شمشیر، سلاح او، «کلمه»

است و با آن مخالفان را خواهد کشت؟

حکاکیان: از خدا و مافوق بشری قدرت می گیرد و این قدرت را کسی جز ماشیح نمی تواند داشته باشد.

سؤال: آیا ماشیح به تنهایی ظهور می کند؟

حکاکیان: ما معتقدیم که قبل از ظهور، آهنگی نواخته می شود: «شوفار زره و ابارگمر، شوفار زره و بار، شوفار زره و ابرگمر، شوفار زره

و باره قبلاً ندا و آهنگک بخصوصی که بسیار معجزه‌زا و ترس آور است، ظهور ماشیح را ندا خواهد داد...

یشایایی: یعنی ظهور ماشیح اعلام می‌شود.

سؤال: هم زمان با ظهور وی اعلام می‌شود یا چند روز قبل از آن؟

حکاکیان: هم زمان با ظهورش!

سؤال: هدف ماشیح چیست و می‌خواهد به غیر از عدالت چه چیزی را برقرار کند؟

حکاکیان: چه چیزی بالاتر از عدالت است؟ مگر او چه می‌خواهد؟ اگر دنیا را عدل بگیرد، دنیا چه نقصی خواهد داشت؟ وقتی انسان‌ها با هم خوب باشند، زندان، همد بود، فساد و وجود نخواهد داشت و فرهنگی عالی بر - حاکم خواهد شد.

سؤال: آیا در آن زمان یک نواختی در فکر و عمل بوجود خواهد آمد و تفاوتی در فکر و عمل انسان‌ها نخواهد بود و همه مثل بطری‌های نوشابه، با یک نوع تفکر پر خواهیم شد؟ بی هیچ تفاوتی؟

حکاکیان: منظور این نیست. منظور این است که ظلم نخواهد بود.

سؤال: این انتظار از نظر دینی چه تأثیری برای شما دارد؟

حکاکیان: از نظر دینی برای ما امیدبخش است. امید می‌دهد. انسان اگر امید نداشته باشد، به چه چیز زنده خواهد بود؟ به هیچ چیز! ولی وقتی امیدوار باشد که کسی می‌آید و عدالت را برقرار می‌کند، در انسان اثر می‌گذارد.

سؤال: چه تأثیر روی اعمال دینی می‌گذارد؟

حکاکیان: اثر زیادی می‌گذارد. فرد می‌ترسد. در زندگی خطا نمی‌کند. عبادت خود را انجام می‌دهد. زندگی خود را درست برقرار می‌کند. ظلم نمی‌کند. چون می‌داند، حساب و کتابی هست. مخصوصاً روی قوم یهود، اثر زیادی می‌گذارد.

به قسمتی از یک کتاب اشاره کرده. ادامه می‌دهد: «ما این را در روزی ترجمه می‌کنیم که ۲۶ ساعت روزه گرفته‌ایم. در روز «کیپور» یعنی در آن روز که بالاترین روزهاست. ۲۶ ساعت به زبان روزه این را در مساجد برای مردم می‌خوانیم و اعلام می‌کنیم که امیدوار باشید و در عین امیدواری عدالت خودتان را حفظ کنید. انسانیت و دین خودتان را حفظ کنید.»

سؤال: از نظر سیاسی چه تأثیری بر شما دارد؟

یشایایی: بیشتر جنبه و شکل مذهبی آن مطرح است نه شکل سیاسی آن. البته یک تلقی، تشکیل دولت اسرائیل است^(۱) ولی به طور اصولی، فرد یهودی در تفکر مذهبی خود، سیاسی فکر نمی‌کرده و نمی‌کند. منظور از سیاست از نظر شما چیست؟

سؤال: وقتی ما معتقدیم که مهدی می‌آید، خودمان را آماده می‌کنیم. حکام جامعه، ظالم و غاصب جایگاه او را غضب کرده‌اند و تا زمانی که آنها هستند، او نمی‌تواند ظهور کند. با این دیدگاه، جامعه خود را آماده می‌کند. که هر

۱ - همان که صهیونیست‌ها و متعصبان یهود می‌گویند.

لحظه علیه آن حکومت قیام کند. آیا چنین چیزی در
یهودیت وجود دارد؟

یشایایی: در افکار یهودی، ظهور ماشیح مقدر و تقدیر الهی است. وقتی که ظلم و کفر حاکم شود، خود به خود موجبات ظهور ماشیح فراهم می شود ولی این که چه جور، چرا و با چه کیفیتی ظهور می کند، مقدر و تقدیر الهی است. اشکال سیاسی و اجتماعی ندارد.

سؤال: آیا انتظار تاثیری اقتصادی - صنعتی در پی دارد؟

یشایایی: شما نباید ظهور ماشیح در تفکر یهودی را زمینی کنید. در غیر این صورت به صهیونیست ها نزدیک خواهید شد. فکر یهودی چنین مبانی ندارد.

سؤال: خود انتظاری که من و شما می کشیم، چه تاثیری بر
من و شما دارد؟

حکاکیان: تقوا، امید و روحیه می دهد. به او الهام می شود که باید عدالت و انصاف را رعایت کند.

سؤال: یادم است، روز اولی که به انجمن شما آمدم، یک خانم یهودی از من پرسید: آیا شما فکر نمی کنید که اصلاً چنین موعودی نباشد و این برای این است که ما سختی زندگی را تحمل کنیم؟

یشایایی: این نظر آن خانم بوده است.

سؤال: آیا این امید خالص است؟ چون بیش از ۳۲۰۰ سال

از وعده شما و ۱۴۰۰ سال از وعده داده شده به ما می گذرد؟

حکاکیان: اگر این امید خالص باشد، استغفرالله، وحی پیغمبر ما نفی

می شود. ما نمی توانیم چنین حرفی بزنیم. مگر می شود، چیزی را که پیامبر گفته، انکار کنیم. وقتی پیامبر حرفی را می زند، برای ما حکم کلام الله را دارد. ما به الهام بودن تمامی چیزهایی که پیامبران ما گفته اند، معتقدیم. یعنی گفته های دیگر پیامبران ما، عین گفته های حضرت موسی در تورات است.

او اضافه می کند: آن خانم عقیده خودش را گفته است. او نمی دانسته که با این سخن حرف پیامبر را نفی کرده است. آیا شما می توانید انکار فردی را در مورد یکی از سخنان رسول اکرم قبول کنید؟ حرف و سخن او همیشه پایدار است و امکان کم و زیاد شدن ندارد. نه پیامبر ما و نه پیامبر شما.

سؤال: چرا این خانم یا معتقد نیست و یا در اعتقادات خود ضعیف است؟ علل آن چیست؟

یشایایی با اشاره به شعری، گفت:

متاع کفر و دین بی مشتری نیست
گروهی این، گروهی آن پسندند
چنین مواردی دلایل جامعه شناختی دارد و به دانش جامعه شناسی مبسوطی نیاز است که ما صلاحیت آن را نداریم.

سؤال: آیا اساطیری هم دارید؟

یشایایی: حضرت خضر یا «الیا نبی» بنابه دلایلی غیر فیزیولوژی و بنا به تقدیر الهی جاودانگی دارد و مرگ ندارد.

در چند جلسه ای که به دفتر انجمن یهودیان، کتابخانه مرکزی و سالن اجتماعات آنان رفته بودیم، همه آنان، از کودک گرفته تا پیرمرد، کلاه یا عرقچین کوچکی به سر داشتند ولی امروز هیچ کدام آن عرقچین را به سر

نداشتند.

«عرفچین» برای یهودیان مقدس شده است و جزئی از سمبل های دینی آنان به حساب می آید. بسیاری از یهودیان در استفاده از آن راه افراط می پیمایند. چنان که در کتابی آمده است: یکی از جاسوسان، آدمکش اسرائیلی حاضر نبود. بدون کلاه قدم از قدم بردارد.

او برای این که شناخته نشود، موی وسط سر خود را می تراشد و عرفچینی که موی سر انسان بر روی آن چسبانده شده بود را بر سر می گذارد تا مشخص نباشد که او عرفچین به سر دارد تا بتواند در خارج از اسرائیل عملیات خود را بدون جلب توجه دیگران عملی کند.

گفتگو با «رستم شهرزادی» موبد زرتشتیان ایران

یکی از مذاهبی که در ایران به طور رسمی فعالیت می کند، مذهب زرتشتی است. این مذهب، برخواسته از میان ایرانیان است که پس از ورود اسلام به ایران، نفوذ خود را از دست داد اما تعدادی بر آن دین باقی ماندند و اکنون هم به مذهب خود پایبند هستند.

روز ملاقات رسید و ما با عجله و تأخیر خود را به معبد زرتشتیان در تهران رساندیم. از در ساختمان که وارد شدیم، احساس کردیم مراسمی چون مراسم ختم و عزاداری ما مسلمانان برگزار می شود. چون چند مرد میانسال بیرون در سالن، دستها به سینه ایستاده بودند و در داخل سالن، زنان و مردان روی صندلی ها نشسته و به وردی که مردی سفید پوش می خواند، گوش فرا می دادند.

با شک و تردید. از یکی از آنان سراغ «رستم شهرزادی» موبد زرتشیان را گرفتیم. گفت: «الان در مراسم عزاداری و ختم هستند و نمی‌توانند تا ساعت ۶ عصر بیرون بیایند».

اندکی خوشحال شدیم ولی با کسب اجازه به مجلس راه یافتیم و روی یک صندلی نشسته به گفتار اوستا گوش دادیم. کلماتی به زبان فارسی قدیم که تا حدودی قابل فهم بود. از متن اوستا خوانده می‌شد و پس از اندکی تأمل برخواسته و با خم کردن سر به طرف زنان صاحب عزادار دست دادن با مردان صاحب عزادار سالن بیرون آمدیم.

آهنگ دعای زرتشتی، بسیار سنگین‌تر از آهنگ آیات قرآنی بود. قرآن نسبت به آن دارای لحن شعری و روانی بیشتری است. کسی که فوت کرده بود، یک زرتشتی هندی بود.

وقتی هفته بعد، در همان روز و ساعت به معبد رسیدیم، بسیار متأسف شدیم. چون باز هم مراسم عزاداری به خاطر فوت یکی دیگر از زرتشتیان در سالن، برقرار بود. وقتی سراغ آقای شهرزادی را گرفتیم، خوشحال شدیم. چون در دفتر خود منتظر ما بود.

پیرمردی لاغر و استخوانی و بلند بالا، با بیش از ۶۵ سال سن پشت میز نشسته و چیزی می‌نوشت. به محض ورود ما و معرفی خودمان، دست داده، بلند شد و کت سفید خود را به تن کرد. آنگاه سمعک خود را به گوش زد و از موضوع پرسید: «موضوع چیست؟» در چه زمینه‌ای می‌خواهید با هم صحبت کنیم؟

□ درباره موعود. چند روز قبل تلفنی اندکی صحبت کردیم اما...

رستم شهرزادی: «کنستانتین» اولین امپراتور رومی بود که مسیحی

شد. او با شدت و علاقه زیاد می خواست مردم دنیا را مسیحی کند. برای همین کشیشان زیادی به اطراف و اکناف دنیا فرستاد. یکی از آن نقاط، ایران بود. مذهب رسمی ایرانیان در زمان تولد مسیح، «مهر پرستی» بود و اغلب پادشاهان اشکانی چون مهرداد اول، مهرداد دوم و مهرداد سوم، مهر پرست بودند. وقتی کشیشان رومی وارد ایران شدند، گفتند: شما مهر پرست هستید. عیسی هم «مهر دوم» است. پس مسیح را قبول کنید.

به گفته آقای شهرزادی، راه دیگر تبلیغ مسیحیت در ایران این بود که روحانیان مسیحی شایع کردند: سه تن از مغانان ایرانی ستاره مسیح را دیده و به دنبال او رفتند و به مسیح که طفل خوابیده‌ای بود، هدایایی تقدیم کردند. حال که مغانان، پیشوایان و ستاره‌شناسان شما او را تصدیق کرده‌اند، شما چرا دین او را قبول نمی‌کنید؟

سه مذهب یهود، زرتشت و اسلام معتقدند که «پیغمبر» رسولی از جانب پروردگار است اما مسیحیان عیسی را در دوره ساسانیان پسر خدا خواندند. چون رومیان که در آیین قبلی خود تجدید نظر نکرده بودند، خدایان را به شکل زن و مرد در آسمان، تصور می‌کردند و معتقدند بودند: گاهی خدایان آسمانی، عاشق دختران زمینی می‌شوند و با آنان ازدواج می‌کنند. بچه آنان مثل بخاری از رحم مادر خارج می‌شوند. بدون این که به کارت مادر آسیب برساند. مثلاً «هرکول» فرزند «زئوس» خدای خدایان رومی بود که از دختری زمینی متولد شد.

کشیشان تصور می‌کردند با گفتن این که عیسی پسر خدا است، رومیان مسیحیت را قبول خواهند کرد.

به اعتقاد رستم شهرزادی؛ کشیشان و مبلغان مسیحی سطح فکری هر

جامعدهای را به دست می آوردند و مطابق آن آیات و روایاتی پیدا کرده و تبلیغ می کردند. این در حالی بود که یهودیان «عیسی» را فرزند یوسف نجار می خواندند. چندی قبل از تولد او، امپراتور روم خبردار شد که تا دو ماه دیگر طفلی به دنیا خواهد آمد و تاج و تخت رومیان را برخواهد چید. لذا دستور داد، هر کودکی که در بیت المقدس، لبنان، اردن، ترکیه در آن دو ماه تولد یابد را بکشند.

یوسف نجار در نزدیکی های وضع حمل مریم، او را از شهر خارج کرد تا کودکش در امان بماند. در بین راه به کاروانسرای رسیدند و درد زایمان شروع شد. یوسف زنش را در آخور طویله پنهان کرد و او در همان جا فارغ شد.

به گفته موبد زرتشتیان؛ راه دیگر تبلیغ مسیحیت در ایران، جعل یک روایت بود که «مگر نشنیده اید، وقتی زرتشت در سیستان آب تنی می کرده. نطفه او به آب دریاچه ریخته شد. از آن پس هر سال دختر باکره ای که در آب آبتنی می کند، حامله می شود. یکی از آن بچه ها «مسیح» است. پس عیسی فرزند زرتشت است. شما دین او را قبول کنید.» رستم شهرزادی در مورد علت استفاده از چنین شیوه های تبلیغی می گوید: «عقل مردم آن زمان اندک و احساس، عاطفه و ایمانشان بسیار بود و بشر سخن دروغ را راحت تر از سخن راست می پذیرد. اگر چنان سخنانی را به زبان نمی آوردند و سخن از معجزات عجیب و غریب نمی زدند، کسی به دین آنان نمی گروید.

از طرف دیگر، مرزهای ایران در دوره ساسانیان گسترش زیادی یافته بود و پیروان مذاهب یهودی، مسیحی، زرتشتی، مهرپرستی، ناهید

پرستی، زروانی، اوشنگی، بودایی و هندی در آن زندگی می کردند و نوعی آشفته‌گی مذهبی رواج یافته بود و هر کس می توانست ادعای معجزه بیشتری کند، بر حق تلقی می شد.

وی پس از بیان آشفته‌گی مذهبی در ایران قدیم، به موقعیت ژئوپولتیکی ایران اشاره کرده، می گوید: «ایران همواره پلی بین جهانگیران شرق و غرب و شمال و جنوب بود و مردم متمدن، شهرنشین و صلح دوست ایرانی، همیشه گرفتار حمله مردمان وحشی، گرسنه و بی وطن بودند که یا باید می کشتند و یا کشته می شدند و نیاکان صلح دوست ما مغلوب مردمان وحشی و خونخوار می شدند».

وی افسار سخن را به «امید» و «موعود» کشانده می گوید: «در چنین مواقعی که شکست خوردیم، برای این که ما دل نباریم، نیاکانمان به ما «امید» می دادند؛ «دل قوی دارید که دستی از غیب بیرون آید و کاری بکند»، «پایان شب سیه سپید است» یا «در ناامیدی بسی امید است» و این باعث می شد که ایرانی مقاومت کند و دشمن پیروز را مغلوب فرهنگ خود سازد، چنان که رومیان بر ایران پیروز شدند اما در نهایت جز چند اسمی رومی از آنان باقی نماند یا عرب‌های مسلمان بر ایرانیان غالب آمدند ولی ایرانیان عرب نشدند. در حالی که مصریان که قبضی بودند، عرب شدند».

وی اضافه می کند؛ در زمان آشفته‌گی مذهبی دوره ساسانی، هر فرقه‌ای مدعی بود که «موعود آینده» می آید و دین او را رواج می دهد. یهودیان، مسیحیان، مانویان، مزدکیان و ... همین سخن را می گفتند. یکی از دانشمندان ایرانی گفت؛ «موعود آینده» هیچ دینی را رواج نمی دهد. او

عدل و داد را برقرار می‌کند. او می‌آید و پیروان مذاهب توحیدی را جمع کرده، از آنان می‌پرسد؛ مگر همه شما نمی‌گوئید که خدا یکی است و پیغمبرتان از جانب او آمده تا فرمان خدا مبنی بر خوشبختی بشریت را اعلام کند؟ همه پاسخ می‌دهند؛ چرا!

موعود آینده می‌گوید: پس چرا اسم توحیدی دینتان را از روی آن برداشته و اسم پیغمبرانتان را روی آن گذاشته‌اید؟ این اختلاف را بردارید. آنگاه دانشمند ایرانی گفت: اگر ما حاضر باشیم، سخن او را بشنویم، او خواهد آمد ولی اگر حاضر نباشیم، نه خدا او را خواهد فرستاد و نه او خواهد آمد و ما هرچه داد و فریاد بزنیم، او نخواهد آمد. و گرنه اگر بیاید، او را هم مثل امام حسین در اسلام یا دیگر پیغمبران، شهید خواهیم کرد.

موبد شهرزادی اضافه می‌کند: «آمدن او به میل ما نیست. او وقتی می‌آید که ما آمادگی داشته باشیم که حرف او را بشنویم و مقدمه خوشبختی خودمان و عالمان را فراهم کنیم».

وی در ادامه به اختلاف و تعبیر بعضی فرقه‌های مذهبی از شرایط قبل از ظهور موعود پرداخته، اظهار می‌دارد: «باز هم در میان پیروان بعضی از مذاهب اختلاف افتاده، می‌گویند: او وقتی می‌آید که همه گرفتار ظلم و ستم همدیگر باشیم، یا وقتی می‌آید که دنیا پر از ظلم و ستم شود. پس «او» حالا نمی‌آید».

وی اضافه می‌کند: «از طرف دیگر عده‌ای هم عقیده دارند: «او» وقتی می‌آید که ما آمادگی رفع ظلم و ستم از همدیگر را داشته باشیم. مثلاً بعضی از فرق اسلامی عقیده دارند که با قیام امام خمینی و اصلاح جامعه،

ظهور موعود به تأخیر می افتد و ما نباید جامعه را اصلاح کنیم بلکه باید آن قدر به جان هم بیافتیم و دعوی شیعه و سنی، یهودی و مسیحی و ... راه بیاندازیم تا او بیاید».

به نظر موبد زرتشتیان؛ به اعتقاد ما زرتشتیان، اگر این اعمال صورت گیرد، «او» حالا حالاها نمی آید. پس اول، ما باید آمادگی شنیدن حرف حق را داشته باشیم تا او بیاید ولی بدبختانه طبق فرهنگ ایرانی؛ از کرم دان آن چه می آزارد تا به تخت معرفت بنشاندت یعنی برداشت خوبی از آن نداریم. هر چه در این دنیا به ما اذیت شود، باعث خواهد شد ما تفکر کرده، به سر عقل آییم و خودمان بیاییم و ظلم را رفع کنیم.

به عقیده زرتشتیان اگر «شر» نباشد، کسی فایده «خیر» را نمی فهمد. اگر کسی «گرسنه» نباشد، ارزش «غذا» را نمی فهمد. در فرهنگ زرتشتی، «خیر» و «شر» دو گوهر همزاد هستند.

□ بالاخره، آیا زرتشتیان معتقدند که موعود و شخصی می آید؟

موبد، شهرزادی؛ در اوایل، فقط موضوع «امید» مطرح بود. مثلاً وقتی پس از ۱۰۰۰ سال ظلم ضحاک، کاوه آهنگر به پا خواست، امید مردم تحقق یافت و به دنبال کاوه آهنگر راه افتادند.

به گفته او؛ در ادیان ایرانی، با سه عنوان «امید به موعود» گفته شده است. گفته شده، هر وقت «هوشیدر» ی آمد، حرف او را بشنوید و «هوشیدر» همان دانشمند و خردمند است. زرتشت هم در «گاتا» خود را از جمله هوشیدران خوانده است.

عنوان دیگری که امید به «موعود» داده، «سوشیانت» یا خیرخواه و نجات دهنده است. اگر کسی از روی خیرخواهی و دلسوزی نسبت به اجتماع، حرفی زد، باید سخن او را شنید. همه پیغمبران به این اسم آمده‌اند که ما خیرخواه شمایم و دشمن شما نیستیم.

عنوان سومی که در مورد «موعود» آمده، «فراشو و کارت» یا تازه کنندگان، اصلاح‌گران است. به گفته آقای رستم شهرزادی؛ «سنت‌ها کهنه می‌شوند و نه تنها به درد نمی‌خورند بلکه ضرر هم می‌زنند. اگر کسی پیدا شد و گفت، این سنت‌ها قدیمی شده، عوض کنید، باید به حرف او گوش کرد».

او تأکید می‌کند: «البته اصول دین نباید تغییر کند. آن را باید به شکل تعبّدی قبول کرد ولی فروع دین، آداب و رسوم، شرعیات و فقه باید با گذشت زمان، تغییر مکان و افزایش سطح فکر و آگاهی مردم عوض شوند. اگر تغییر ندهیم، اصول دین را هم عقب مانده نگه خواهند داشت».

به گفته وی؛ همه پیغمبران در گروه هوشیدران، سوشیانت‌ها و فراشو و کارت بودند. چنان که عیسی گفته: من برای آوردن دین جدیدی نیامده‌ام بلکه آمده‌ام، قانون کهنه شده بنی اسرائیل را اصلاح کنم. زرتشت هم همین کار را کرد. چرا که در مذاهب قدیمی ایرانیان، خدایان متعددی داشتیم. او از روی خیرخواهی ما را به توحید و خدای یکتا فرا خواند.

□ پس شما منتظر شخص خاصی با ویژگی‌های خاصی، نیستید؟

موبد، رستم شهرزادی؛ ولی اگر کسی پیدا شد، ممکن است پیرایه موعود به او ببندیم.

□ پس شما به فردی همچون یهودیان به «ماشیح» و

مسیحیان به «مسیح» اعتقاد ندارید؟

موبد، رستم شهرزادی: «ماشیح یعنی نجات دهنده و همان «مسیح» است. چون «شین» و «سین» در یهودی و مسیحی قابل تبدیل به هم هستند اما سوشیانت، هوشیدران و فراشووکارت، تئوری‌هایی هستند که قبل از زرتشت بوجود آمده‌اند. ابتدا جمادپرستی، گیاه پرستی، حیوان پرستی، قهرمان پرستی، روح پرستی، شرک و بت پرستی، دین تثلیث و سه خدایی، دو خدایی یا ثنویت بوجود آمدند و سپس توحید آمد...».

□ فرض کنید که هوشیدری، سوشیانتی یا فراشووکارتی

آمد، آیا او با خونریزی می آید؟

موبد، رستم شهرزادی با طرح چند سؤال با عاریه گرفتن سمبل‌هایی از شیعه، می‌گوید: به قول شیعه، او سوار بر اسب و شمشیر در دست می‌آید و آن قدر انسان می‌کشد تا خون به زیر شکم اسبش برسد. راستی آیا موعود آینده هم سوار بر اسب و شمشیر به دست می‌آید یا با بمب اتم؟ سطح فکر کسانی که این تئوری‌ها را می‌ساختند، خیلی پایین بوده و آنان نمی‌دانستند که خون آب نیست که بالا بیاید بلکه لخته می‌بندد. یا فردی از موعود آخر سؤال می‌کند، چرا این قدر مردم را می‌کشی؟ او نعلین امام حسین را بالا می‌برد و می‌گوید؛ اگر به خاطر صاحب این نعلین دنیا را نابود کنم، حق دارم! این شقاوت و ظلم در حق مردم است و به هیچ وجه موعود آینده این قدر کینه‌توز و تشنه انتقام نباید باشد.

وی در ادامه با اشاره به شاه بهرام و رجاوند، دستور پشوتن، پیغمبر

اوشیدر، اوشیدر ماه، اوشیدر بامی، شیوشانس و کیخسرو پادشاه،

می‌گوید: «ما برای اینان و دین زرتشت دعای تندرستی می‌خوانیم و معتقدیم که اینان زنده‌اند. ما هیچ نمی‌گوییم «خدایا بیامرز این «کوسان» را. ما معتقدیم؟ آنان زنده هستند و در آخرالزمان می‌آیند اما چه کسی، چه موقع و با چه کسانی می‌آید؟ معلوم نیست».

زرتشیان معتقدند که چون شاه بهرام ورجاوند یا بهرام‌گور، پادشاه عادل بود، زنده است که او و دیگران برای از بین بردن شر و طرفداری از خیر به کمک مردم خواهند آمد و دنیا را پر از عدل و داد خواهند کرد. آنان معتقدند:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق

ثبت است در جریده عالم دوام ما
 موبد، رستم شهرزادی با اشاره به شاهنامه اضافه می‌کند: شاه کیخسرو پیش از زرتشت به دنیا آمده و شاهنامه هم به زنده بودن آن اشاره کرده است. مثل موعود و امام دوازدهم! چنین اشخاصی در طول هزاران سال بوده‌اند و به آنها هم اضافه شده است. مثلاً ضحاک ستمگر حکومت می‌کرد تا این که فریدون آمد و به او شکست داد و او را در کوه دماوند که آتشفشان بود و به آن جهنم گفته می‌شد، حبس کرد.

او به تفاوت عقیده به موعود در دین زرتشتی و بودایی اشاره کرده، توضیح می‌دهد: «ما آریایی‌ها از اوّل معتقد بودیم که در روزگار سختی و بدبختی، «موعود» می‌آید و ما را نجات می‌دهد. برعکس مذهب بودا که توصیه می‌کند، به هنگام گرفتاری، بدبختی و ظلم و ستم، خودکشی کنید که اگر خودکشی کردی به «نیران» یعنی «نیستی» می‌روی. یعنی تا هستیم، گرفتار سختی و بدبختی هستیم. وقتی خوشبخت می‌شویم

که نیستیم. ولی نیاکان ما می گفتند: «دل قوی دارید که روزی کسی برای نجات ما می آید».

وی اضافه می کند: «اینها جزو اساطیر هستند و حتی زرتشت هم خود را در «گاتا» جزو اساطیر می شمارد».

□ آیا نشانه‌هایی برای ظهور هوشیدر، سوشیانت و فراشووکارت عنوان شده است؟

موبد، رستم شهرزادی: «اولین موعود با نام «اوشیدرها» وقتی می آید که خورشید ۱۰ روز در وسط آسمان بایستد. دومین موعود با نام «اوشیدر بامی» زمانی می آید که خورشید ۲۰ روز در وسط آسمان بایستد و سوشیانت: «موعود سوم. زمانی می آید که خورشید یک ماه در وسط آسمان بایستد و نورهای چندان قابل فهم نیستند.

یا یکی از موعود زمانی می آید که زمین ستاره باران شود و ستاره‌های زیادی به زمین فرو ریزد. این تئوری‌ها حقیقت نیست و با قانون طبیعت مخالف است. ما معتقدیم: دین باید مطابق عقل باشد».

همه معتقدند: کسی برای نجات بشر می آید و جهان را پر از عدل و داد می کند و بشر در آن روز مره خوشبختی را می چشد گرچه یکی او را ماشیح، دیگری مسیح، سومی سوشیانت، هوشیدر، فراشووکارت یا دیگری راهنما و مهدی «عجل الله تعالی فرجه الشریف» می خوانند. او می آید و شرط آن است که علاقه‌مندان و عاشقان، راد را هموار سازند و زمینه برقراری عدالت را در جامعه مهیا کنند.

هر کس به زبانی صفت مدح تو گوید

بلبل به غزلخوانی و قُمری به ترانه

گفتگو با دو تن از پیروان سیک

از قدیم گفته‌اند: «هر که طوطی طلبد، لاجرم جور سفر هند کشد»، ولی در این زمانه نیاز سفر به آن دیار نیست، چون از مردم آن دیار عدّه زیادی به سرزمین‌های دیگر کوچیده‌اند. اکثر ما از هندیان، یک تصوّر در ذهن داریم؛ آدمی با عمامه‌ای به سر، با ریش و سیبل بلند، ولی او «هندو» نیست. یک «سیک» یا «شاگرد» است که خود را پیرو «استاد» یا پیغمبر «گرونانک» می‌داند.

گرونانک، حدود ۲۵ سال قبل در «پنجاب» زاده شد و بعد از رشد، مذهب سیک را پایه‌گذاری کرد. سیک، حاصل برخورد دو دین و تمدن بزرگ مذهبی «اسلام» و «هندو» است که گاهی مؤمنان آن دو، به جنگ با هم می‌پرداختند.

او معتقد است که اجازه ورود هیچ نوع خرافاتی را به سیک نداده است.

با این وجود که ما از مردم هند، سیکها را در ذهن داریم، اما آنان ۲۰ میلیون نفر از جمعیت ۷۰۰ میلیونی هند هستند. کیش آنها یکی از کیش‌هایی است که به «خدا» معتقد است.

اگرچه در معبد «گوردوارا» در تهران روحانی و صاحب منصب مذهبی نبود که در مورد «موعود» با ما سخن بگوید ولی دو نفر برای گفتگو اعلام آمادگی کردند. آن دو ضمن این که خواستار درج نشدن اسمشان نبودند، تأکید کردند: اگرچه ما از مردم عادی هستیم و مقام

روحانی نیستیم ولی در حدی اطلاعات داریم که برای شما مفید باشد.
در ادامه یکی از آنان می پرسد: «حالا موضوع چیست؟ یعنی در مورد
چه چیزی باید صحبت کنیم؟»

● درباره موعود

آن دو به ما خیره می شوند و به هم نگاه می کنند. می گوئیم: در بعضی
از ادیان مثل مذهب یهودیت، مسیحیت، زرتشتی و اسلام معتقد هستند
که در آینده کسی می آید و ظلم را از جهان برمی چیند و عدالت را
برقرار می سازد.

یکی از آن دو می گوید: «مذهب ما مثل مذهب آنها نیست. البته ما هم
خداپرست هستیم و برای همین است که در جمهوری اسلامی اجازه
فعالیت داریم. ما با خدا در اعتقاد به خدا مشترک هستیم. اما نه. معتقد
نیستیم که کسی در آینده می آید... آینده، کی است؟ من الآن در زیر ظلم
باشم و آن را تحمل کنم که کسی در آینده می آید و اجازه نمی دهد به ما
ظلم شود؟»

او توضیح می دهد: ما به بیش از ۲ چیز اعتقاد نداریم. یکی به خدای
یگانه همیشگی و دیگر به شمشیرمان. برای همین از اول هم با رژیم ها و
حکومت های مختلف مثل انگلیسی ها جنگیدیم و زیر زور نرفتیم. دین به
ما یاد می دهد که اگر چیزی حق ماست، آن را بگیریم. ابتدا به آرامی. اگر
نشد و طرف، حق ما را نداد. شمشیر برمی داریم و حتمّان را از او
می گیریم.

می گوئیم: به هر حال، از اول دنیا به عدّه زیادی ظلم شده و می شود.
قدرت هم در دست ظالمان است، آیا باید کسی باشد که برای همیشه

دست ظالمان را کوتاه کند و عدالت را برقرار سازد یا نه؟
 او پاسخ می‌دهد: ظلم از چه ناشی می‌شود، از جهل. هر کجا، مردم جاهل و ناآگاه باشند، ظلم را قبول می‌کنند اما اگر مردم آگاه باشند، زیر بار ظلم نمی‌روند. باید جهل را از میان برد تا مردم زیر بار ظلم نروند و دیگران هم ظلم نکنند. اگر باز هم عده‌ای ظلم کردند، آن وقت، مردم جلوی آنها می‌ایستند...

- شاید نتوانستم سختم را راحت بگویم. یک مثال می‌زنم. مثلاً در «بویال هند» آن کارخانه مواد شیمیائی منفجر شد و حدود ۶ - ۷ هزار نفر کشته شدند. آیا به آنها ظلم نشده است؟

به همدیگر می‌نگرند، اندکی سرخ می‌شوند، آنها که از بحث سیاسی گریزان هستند، تردید نشان می‌دهند؛ این بحث دیگری است... قبلاً به آنها گفته شده بود که در آنجا جای نشیمن نسازند. زندگی آنها در اطراف کارخانه غیر قانونی بود.

- ولی به هر حال، آنها مردند. آنهایی که دوست داشتند، مثل من و شما زندگی کنند، به خدا عبادت کنند، بچه‌هایشان را بزرگ کنند...

پاسخ می‌دهند: کار آنها غیر قانونی بود. با آن که به آنها گفته بودند، آنجا زندگی نکنند اما چون به کار نیاز داشتند، در اطراف آن کارخانه الونک‌هایی از چوب و حلبی ساختند ولی...

- حالا، به هر نوعی، به آنها ظلم شده، آنها مرده‌اند. آیا کسی باید بیاید و حق چنان مظلومانی را از ظالمان بگیرد و آنها را به حکومت برساند یا نه؟

- ما معتقدیم، نه، آنها عملی غیر قانونی کرده‌اند و رفته‌اند.

- ما در اسلام اصول دین داریم و عدالت در آن جای خاصی دارد. اصول دین شما چیست؟ او اصول مذهب سیک را تلفظ می کند. ما متوجه حروف و هجی آنها نمی شویم تا بنویسیم. یک سطر می نویسیم و قبول نمی افتد. قلم و کاغذ را به آنها می دهیم و آنها به حروف فارسی، اصول دینشان را برایمان می نویسند و بعد ما معنی یکی یکی آنها را یادداشت می کنیم. لازم به یاد آوری است که ترکیب حرف «ه. ه.» با حروف دیگر، تلفظ خاصی دارد که غیر هندوها در تلفظ آن ناتوان هستند.

او درباره اصول مذهب سیک، چنین می گوید: «ایک اونکار» یعنی خدای یکتا و مداوم، «کست نام» یعنی وجود او حقیقی است. «کرتا پرخ» یعنی خدا همه کاره خلقت است. «مز بهو»، از کسی نمی ترسد. «لزویر»، با کسی دشمنی ندارد. «اکال مووت»، در زمان نمی گنجد. «اجونی سونهبو»، از خودش به وجود آمده به دنیا نمی آید و از دنیا نمی رود. «گر پرساد»، با یاری رهبر می توان درکش کرد. «استاد» یا پیغمبر.

- شما به قیامت، مرگ و سپس به بهشت و جهنم اعتقاد دارید؟

- نه! هر چه هست در این دنیا هست. چه بهشتی بالاتر از این که به خدا برسید. هر لحظه که از خداوند دور باشید، به جهنم نزدیکتر می شوید. دوری از خدا، عین جهنم و بدترین جهنم و نزدیکی به خدا، عین بهشت و بالاترین بهشت است. باید در این دنیا به خدا و بهشت رسید. چون همه چیز در این دنیا است.